



انترناسیونال

۱۲۳

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۳۰ دی ۱۳۸۴، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

قطعهنامه دفتر سیاسی در باره
تهدیدات نظامی آمریکا

صفحه ۱۰

قطعهنامه دفتر سیاسی در باره
پروژه اتمی جمهوری اسلامی

صفحه ۱۰

میشل باشلت: هفتمین رئیس جمهور چپگرا در قاره آمریکا
در حاشیه رویدادها
کاظم نیکخواه

صفحه ۱۲



پلاتفرم تعرض گسترده به جمهوری اسلامی در خارج و ماجرای پروژه اتمی جمهوری اسلامی

گفتگو با حمید تقوائی، لیدر حزب کمونیست کارگری

مگر جمهوری اسلامی قبلا، چه قبل از خاتمی و چه در دوره خاتمی لحظه ای از تعرض حزب در امان بوده است که امروز چنین پلاتفرمی ضرورت پیدا کرده است؟ ضرورت اعلام چنین پلاتفرمی چیست؟ مشخصتر، آیا اعلام این پلاتفرم با سرکار آمدن احمدی نژاد ارتباط دارد؟

صفحه ۲

میسنگاریم.

محسن ابراهیمی: اولین سؤال این است که اصولا چه لزومی دارد حزب پلاتفرمی برای تعرض علیه جمهوری اسلامی اعلام کند؟ مگر این یک کار روتین و دائمی حزب نبوده است؟

همه کشورها. ۳. محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت در یک تریبونال بین المللی. برای روشن شدن جوانب مختلف سیاسی و عملی این پلاتفرم سئوالاتی را با حمید تقوائی درمیان

اخراج جمهوری اسلامی از سازمان ملل و سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی. ۲. قطع رابطه دیپلماتیک دولتها با جمهوری اسلامی، تحریم سیاسی و نظامی و فرهنگی جمهوری اسلامی. بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در

دراونترناسیونال شماره قبل، "پلاتفرم برای سازمان دادن یک موج تعرض گسترده علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور" چاپ شد. این پلاتفرم تحقیق اهداف زیر را در محور فعالیتهای حزب کمونیست کارگری در خارج کشور قرار داده است: ۱.



فستیوال آدم برفی در سنندج
یک حرکت انسانی، عظیم،
پیشرو و رادیکال

صفحه ۵

صحبتهای دو
تن از فعالین
سندیکای
شرکت واحد
در تلویزیون
"کارگران و
یک دنیای بهتر"

صفحه ۷

به احکام اعدام هشت فعال سیاسی در ایران اعتراض کنید!



نامه سرگشاده
مینا احدی
به احزاب
اپوزیسیون ایرانی

غلامحسین کلبی را سالهای سال است در بدترین شرایط ممکن در زندان محبوس کرده و خطر اعدام همه این افراد را تهدید میکند. جرم اینها فعالیت سیاسی و یا

صفحه ۸

رونوشت به رسانه های اپوزیسیون در خارج از کشور
جمهوری اسلامی ایران سعید ماسوری، حجت زمانی، خالد هردانی، فرهنگ پور منصور، شهرام پور منصور، ولی الله مهدوی، علیرضا کرمی خیرآبادی و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حمید تقوایی: همانطور که در پلاتنفرم هم توضیح داده شده یک رکن سیاست حزب در خارج کشور همیشه افشا و منزوی کردن جمهوری اسلامی بوده است. امروز هم ما همین سیاست را دنبال میکنیم. اما شیوه های عملی کردن این سیاست، بخاطر تغییر شرایط سیاسی، تغییر کرده است یا بهترست بگوئیم گسترده تر و تعرضی تر شده است.

در دوره خاتمی برای منزوی کردن جمهوری اسلامی در نزد افکار عمومی جهانی و دولتها باید در وحله اول با توهم اصلاح پذیری حکومت و "اسلام دموکراتیک" رئیس جمهور و تز بهبود تدریجی اوضاع و دیگر توهم پراکنی ها و عوامفریبی های دو خرداد در حکومت و در اپوزیسیون آن مقابله میکردیم. امروز این هدف حاصل شده است، و دولت احمدی نژاد بدون هیچ پوشش و پیرایه و توجیهی خصلت و ماهیت ضد انسانی جمهوری اسلامی را در برابر چشم جهانیان قرار داده است.

در عرصه سیاست داخلی نیز حکومت در موقعیت بسیار ضعیف تر و متشتت تری از دوره قبل قرار گرفته است. جمهوری اسلامی در مقابل سیر فزاینده تعرض مردم ناگزیر شد شخصی مثل احمدی نژاد را در جلو صحنه قرار بدهد و این بحران حکومت را همانطور که پیش بینی میکردیم بمراتب تشدید کرده است. امروز در یک سطح وسیع اجتماعی و در تجربه سیاسی مستقیم خود مردم، حقانیت و مطلوبیت راه و آلتزاتیوی که همیشه حزب ما مطرح میکرد یعنی سرنگونی نظام حاکم بقدرت انقلابی مردم بر همه آشکار شده و بر چنین زمینه ای است که ما شاهد گسترش و رادیکالیزه شدن مبارزات کارگران و جوانان و دیگر اقشار معترض مردم در چند ماهه اخیر هستیم: از اعتراضات وسیع در جریان مضحکه انتخاباتی تا شورشهای شهری و اعتصابات گسترده کارگری و تا مبارزات زنان و تجمعات و اعتراضات دانشجویی. آخرین و برجسته ترین نمونه این سیر جدید تعرض، مبارزات کارگران شرکت واحد است که به نظر من نقطه عطف تعیین کننده ای در جنبش کارگری و در مقابله کل جامعه با حکومت بشمار میرود.

بعبارت دیگر روی کار آمدن احمدی نژاد خود هم حاصل

پیشرویهایی جنبش سرنگونی است و هم زمینه ساز پیشرویهایی بیشتر این جنبش است. بجلو رانده شدن احمدی نژاد از یکسو خود بازتاب تحت فشار قرار گرفتن کل نظام جمهوری اسلامی بوسیله مردم و عدم کارآئی دو خرداد، و به بیان دقیقتر "دو بال نظام"، در مقابله با این تعرض است و از سوی دیگر بنوبه خود زمینه روی آوری وسیعتر کارگران و جوانان و زنان و اقشار مختلف مردم را به مبارزه و اعتراض و به اتکا بقدرت خود و اعمال اراده مستقیم برای رسیدن به خواست هایشان فراهم کرده است.

پلاتنفرم اخیر حزب در واقع انعکاس و ترجمه این شرایط به یک سیاست و نقشه عمل عمومی در خارج کشور است. ما می خواهیم جمهوری اسلامی را از جامعه جهانی بیرون برانیم. این حکومت مردم ایران نیست، هیچ بخش و قشری از جامعه را نمایندگی نمیکند، و مورد تنفر اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران است. بهمین دلیل جمهوری اسلامی نباید از جانب هیچ دولتی و هیچ مرجع و نهاد بین المللی بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته بشود.

معنی عملی این برسیمت نشناختن اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین المللی مثل سازمان ملل و سازمان جهانی کار، قطع کامل روابط دیپلماتیک دولتها با آن و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورهاست. این حکومت نماینده مردم ایران نیست، قاتل مردم است و سران آن باید به جرم جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت محاکمه بشوند. این اهداف و نقشه عمل مشخصی است که حزب ما در این دوره با تمام توان دنبال خواهد کرد.

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید هر یک از این اهدافی که در پلاتنفرم مشخص شده را با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار بدهیم. حزب مشخصا رسیدن به سه هدف را محور فعالیتها در خارج کشور قرار داده است. لازم است هر کدام از این اهداف هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه عملی روشن شوند. از هدف اول و دوم شروع کنیم: اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین المللی و قطع رابطه دیپلماتیک دولتها با جمهوری اسلامی. چه فعالیتهایی در این زمینه ها میتوان انجام داد؟ این فعالیتها چگونه و به چه معنا

میتواند جنبش سرنگونی در ایران و هدف حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تقویت کند؟

حمید تقوایی: در قدم اول باید افکار عمومی مردم جهان را به این حقیقت معطوف کرد که جمهوری اسلامی حکومت قانونی و برحق و منتخب مردم نیست، بلکه بر عکس قاتل مردم و مورد تنفر و استیاز اکثریت قریب به اتفاق جامعه است. و در گام بعد باید شخصیتها و سازمانهای مترقی و آزادیخواه، نیروها و سازمانهای سکولاریست و مدافع حقوق بشر، نیروهای مدافع حقوق زنان، اتحادیه کارگری و دیگر نهادهای مترقی مشابه را در جهت رسیدن به این اهداف بسیج و فعال کرد. ایرانیان مقیم خارج کشور نیز یک نیروی تعیین کننده هستند که باید در این جهت سازمان پیدا کنند و فعال شوند.

روشن است که دولتها و حتی سازمانهای بین المللی، مستقل از هر اختلافی که با حکومت اسلامی ایران داشته باشند، راسا و خود بخود به قطع روابط با جمهوری اسلامی اقدام نخواهند کرد. منافع دیپلماتیک و اقتصادیشان به آنها این اجازه را نمیدهد. تنها راه، بسیج مردم و احزاب و شخصیتها و احزاب مترقی و بمیدان آوردن آنانست. این عاملی است که میتواند بعنوان عامل فشار بر دولتها و سازمانهای بین المللی به کار بیافتد و آنها را به سمت قطع کامل روابط با جمهوری اسلامی سوق بدهد.

باید توجه داشت که امروز شرایط عمومی سیاسی در دنیا و بخصوص در کشورهای غربی برای اخراج جمهوری اسلامی از جامعه جهانی مساعد تر از هر دوره دیگری است. تا آنجا که به افکار عمومی و نیروها و احزاب مترقی مربوط میشود بخش هر چه وسیعتری از این نیروها با ماهیت ضد انسانی اسلام سیاسی و کلا دخالت مذهب در دولت بیشتر آشنا میشوند. ما شاهد دور جدیدی از رشد سکولاریسم و دفاع از حقوق زن و کلا تمدن و مدنیت در مقابله با اسلام سیاسی و به نقد کشیده شدن و رویگردانی از تزیات توجیه گر دخالت مذهب در سیاست و مقدرات اجتماعی انسانها نظیر "نسبت فرهنگی" و "مالتی کالچرالیسم" هستیم. موفقیت کمپینهای و محبوبیت شخصیتهای حزبی در عرصه دفاع از سکولاریسم و مقابله با دادگاههای اسلامی و

فعالیت علیه سنگسار و اعدام و استقبال شخصیتها و سازمانهای مترقی در اروپا و آمریکا از این فعالیتها نشاندهنده این حقیقت است. باید در این عرصه ها بیشتر به پیش رفت و مشخصا اخراج جمهوری اسلامی از جامعه بین المللی را یک هدف معین و اعلام شده همه این نبردها و مصافها تعریف کرد.

فاکتور دیگری که باید به آن توجه داشت رابطه دولتهای غربی با جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی از نقطه نظر استراتژیک یک حکومت تماما مطلوب و مورد حمایت دولتهای غربی نیست، ریشه های این مساله به شرایط روی کار آمدن جمهوری اسلامی و رضایت دادن و بجلو راندن آن بوسیله دول غربی برای مقابله با انقلاب ۵۷ بر میگردد. از همان آغاز، حکومت اسلامی نوعی انتخاب از سر اجبار برای دول غربی بوده است و نه یک حکومت تماما مطلوب آنها. مساله

دول غرب با جمهوری اسلامی بویژه با رشد تروریسم اسلامی بعد از ۱۱ سپتامبر ابعاد تازه ای بخود گرفت و اکنون با روی کار آمدن احمدی نژاد و حاد شدن مساله سلاحهای هسته ای رو به وخامت بیشتری میرود. در عین حال همیشه سیاست دول غربی مبتنی بر پراگماتیسم و ضروریات اهداف و سیاستهای مقطعیشان بوده است و با نوعی کجدار و مریز با جمهوری اسلامی برخورد کرده اند. این وضعیت به نیروهائی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند این امکان را میدهد که از این اختلافات و تضاد منافع بین دول غربی و جمهوری اسلامی به نفع پیشبرند جنبش انقلابی در ایران استفاده کنند. این شرایط این امکان را بوجود میآورد که با اتکا به افکار عمومی و نیروهای مترقی در کشورهای غربی دولتها را تحت فشار قرار داد و امیدوار بود که در جهت قطع رابطه با حکومت اسلامی و اخراج آن از سازمانهای جهانی قدم بردارند.

روشن است نیروی تعیین کننده در این میان نیروی مردم مترقی و انساندوست و آزادیخواه در خود کشورهای غربی است. قبل از هر چیز باید برای افکار عمومی جهانیان روشن کرد که ماهیت ضد بشری و ارتجاعی جمهوری اسلامی تنها به آن جنبه هائی که با سیاستهای دول غربی در تناقض قرار میگیرد، مثلا دخالتگرهایش در عراق، ویا رابطه با القاعده و حماس، و یا اظهارات ضد

اسرائیلی احمدی نژاد و یا حتی سلاح هسته ای و نقش حقوق بشر در چارچوبی که دولتهای غربی عنوان میکنند، محدود نمیشود بلکه اساسا خصلت ضد بشری حکومت اسلامی ایران در مقابله با مردم ایران و سرکوبگرها و جنایاتی است که هر روزه علیه مردم ایران مرتکب میشود. چهره کریمه حکومت اسلامی و کلا اسلام سیاسی را نه در اصطکاک منافع با دول غربی بلکه در ۲۷ سال جنایتش علیه مردم ایران و امروز نیویورک و بالی و مادرید و لندن باید بازشناخت و افشا و محکوم کرد. باید به مردم جهان گفت فجایعی که تروریسم اسلامی در گوشه و کنار جهان می آفریند نمونه ای از تروریسمی است که هر روزه در ایران در حال جریان است. و باید بویژه نقش سیاستهای دولت آمریکا و متحدین اش را در ایجاد این شرایط نشان داد و تروریسم دولتی غرب را نیز در کنار تروریسم اسلامی مورد نقد و حمله قرار داد.

در مورد راه مقابله با جمهوری اسلامی قبل از هر چیز باید این حقیقت را برای همگان روشن کرد که کلید حل مساله در دست دولتهای غربی نیست. راهحالی نظیر حمله نظامی و کودتا و رژیم چنج و غیره در واقع شیوه مقابله تروریسم دولتی غرب با تروریسم اسلامی است. جزئی از جنگ تروریستهاست. نتایج خانمان بر انداز این جنگ را امروز در عراق شاهد هستیم. نباید اجازه داد این فاجعه در ایران تکرار شود.

راه حل در دست مردم ایران و مبارزه انقلابی آنانست. از شر اسلام سیاسی و خطر اتمی و غیره تنها با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی میتوان خلاص شد. و اگر نیرو و حزبی واقعا خواهان حل مساله است باید در کنار مردم ایران و جنبش انقلابی آنان برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار بگیرد. چگونه؟ با حمایت مستقیم از مبارزات مردم ایران و با اعمال فشار به دولتهای غربی برای برسمیت نشناختن جمهوری اسلامی بعنوان حکومت ایران. این اساس و جوهر سیاسی پلاتنفرم اخیر حزب در خارج کشور است.

محسن ابراهیمی: بند دوم اهداف پلاتنفرم مشخصا از تحریم سیاسی و نظامی و فرهنگی صحبت میکند. در مورد تحریم سیاسی مساله روشن

از صفحه ۲ گفتگو با حمید تقوایی

است. منظورتان از تحریم نظامی و فرهنگی چیست؟ مشخصا معنای واقعی تحریم فرهنگی چیست؟ و تحریم فرهنگی از چه نظر جمهوری اسلامی را تضعیف و متقابلا جنبش سرنگونی را تقویت میکند؟

حمید تقوایی: منظور از تحریم نظامی منع هر نوع فروش اسلحه و تجهیزات نظامی به حکومت اسلامی است. معمولا تجارت اسلحه تحت تاثیر روابط دولتها با یکدیگر قرار نمیگیرد و آشکار و یا پنهان و قانونی و یا غیر قانونی دیکتاتوریهایی سرکوبگری نظیر جمهوری اسلامی نمیتوانند ارتش و نیروهای سرکوبگرشان را به انواع اسلحهها مجهز کنند. یک نمونه فروش اسلحه به ارتش ایران و عراق در دوره جنگ هشت ساله بین این دو کشور بود و دولتهای غربی و تولیدکنندگان اسلحه سودههای هنگفتی از این طریق به جیب زدند. از زینرو صرف تحریم سیاسی و قطع روابط دیپلماتیک کافی نیست، مشخصا باید فروش اسلحه و تجهیزات نظامی به حکومت اسلامی متوقف شود. در مورد تحریم فرهنگی منظور صرفا قطع روابط فرهنگی با جمهوری اسلامی نیست، مساله

قرار دارد و جنبش خلاصی فرهنگی یک جزء همیشه مبارزه مردم ایران برای رسیدن به یک جامعه مدرن و انسانی و متمدن بوده است. آشکار کردن این حقیقت بر مردم دنیا یک جنبه مهم فعالیت ما در خارج کشور است. فکر میکنم با این توضیحات پاسخ قسمت دوم سئوالتان در مورد تاثیر تحریم فرهنگی بر تضعیف جمهوری اسلامی و تقویت جنبش سرنگونی نیز روشن شده باشد. برسمیت نشناختن حکومت اسلامی بعنوان نماینده فرهنگی مردم ایران در واقع پاسخ سیاسی به نظراتی است که جامعه ایران را مذهبی و لذا مستحق حکومت اسلامی میدانند. این نظرات نه تنها از جانب جمهوری اسلامی و دولتهای غربی بلکه همچنین از جانب برخی روشنفکران لیبرال و حتی مخالف سیاست رسمی دولتها، تحت لوای نسبیتهای فرهنگی و مالتی کالچرالیسم مدام طرح و تبلیغ میشود. مقابله فکری با این گرایشها یک جنبه همیشه کار ما بوده است اما نتایج سیاسی این نوع نظرات را نیز باید خنثی کرد و تحریم فرهنگی جمهوری اسلامی در این چارچوب قرار میگیرد.

محسن ابراهیمی: در پلاتفرم/تحریم اقتصادی حرفی زده نشده است. البته هر کس با سیاستهای حزب ما آشنا باشد میدانند که ما با تحریم اقتصادی مخالفیم اما ممکن است دلایل این مخالفت بر همه معلوم نباشد. ممکن است در این مورد توضیح بدهید؟

حمید تقوایی: حزب ما هم از لحاظ انسانی و هم سیاسی با تحریم اقتصادی مخالف است. از لحاظ انسانی تحریم اقتصادی کشورها مستقیما مردم آن کشور را تحت انواع فشارها و تضییقات و محرومیتها قرار میدهد و بویژه از فشار زحمتکش و کم درآمد که اکثریت عظیم مردم را تشکیل میدهند قربانی میگیرد. یک نمونه تحریم اقتصادی عراق در زمان صدام حسین است که فقر و بیماری و مرگ و میر را وسیعا در جامعه عراق توسعه داد. در دوره این تحریم نیم میلیون کودک بدلیل گرسنگی و بی امکاناتی و بیماریهای قابل پیشگیری جان باختند. در واقع تحریم اقتصادی جنایتی است که بر

علیه مردم کشورها اعمال میشود و بخصوص در صورت طولانی شدن به یک فاجعه و مصیبت دردناک اجتماعی تبدیل خواهد شد.

از نظر سیاسی نیز تحریم اقتصادی نتایج معکوسی خواهد داشت. دولتهای تحریم شده زمینه ای پیدا میکنند تا فقر و محرومیت مردم را به گردن تحریم اقتصادی بیاورند و خود را از زیر تیغ حمله و اعتراض مردم بدر ببرند. اولویت دولتها، همیشه و همه جا، تامین مخارج ماشین دولتی و ارگانهای نظامی و پلیسی و سرکوبگرشان است و لذا تحریم اقتصادی و کمبود منابع مالی بر تجهیزات کارکرد این ارگانها تاثیر چندانی نمیگذارد بلکه اساسا از بودجه خدمات عمومی و تامین شغل و بهداشت و درمان و تامین کار و غذا و دارو و امکانات اولیه زندگی زده میشود. و بعد هم از مردم خواسته میشود که بخاطر شرایط اضطراری تحریم اقتصادی این وضعیت را تحمل کنند و صدایشان در نیاید. بنا بر همه این دلایل تحریم اقتصادی نه تنها راه بجائی نخواهد برد بلکه حتی میتواند موجب تقویت دولتهای تحریم شده بشود.

محسن ابراهیمی: کمی از محاکمه سران جمهوری اسلامی در یک تریبونال بین المللی صحبت کنید. این هدف سوم در پلاتفرم است. محاکمه سران رژیمهای جنایتکار بعد از سرنگویشان در دادگاههای بین المللی بارها اتفاق افتاده است. حتی کشورهایی که زیر بال همین سران را در دوره حکومتشان میگیرند، گاه بعد از سرنگویشان آنها را به دادگاه میکشانند و یا حداقل موضع منفعل در قبال دادگاهی شانیشان میگیرند. یکی از اخیرترین نمونه های این اتفاق ماجرای پیونوشه است. اگر منظور پلاتفرم/تحریم از محاکمه سران حکومت اسلامی پیش از سرنگونی است، این سئوال مطرح میشود که این اتفاق چه قدر امکانپذیر است و چه اقداماتی باید در دستور گذاشت تا عملی شود؟

حمید تقوایی: دحزب ما مدتهاست که محاکمه سران جمهوری اسلامی را در دستور کار خود قرار داده و به همین منظور مرکزی تحت عنوان مرکز پیگرد سران جمهوری اسلامی دایر کرده است. وظیفه این مرکز باز کردن پرونده جنایتها و همچنین

دزدیها و چپاولگریهای سران جمهوری اسلامی است. مدارک و اسناد زیادی در مورد جنایات سران جمهوری اسلامی وجود دارد که باید جمع آوری شود و در اختیار جهانیان قرار بگیرد. هدف این اقدامات تشکیل یک تریبونال بین المللی برای محاکمه سران حکومت خواهد بود. این امریست که نباید به بعد از سرنگونی حکومت اسلامی احواله شود. محاکمه سران حکومت بعد از سرنگونی مسلمانا از جمله اولین اقدامات مردم انقلابی خواهد بود اما هدف و امر ما تشکیل یک تریبونال در همین شرایط امروز است. این کاملا امکانپذیر است که سران جمهوری اسلامی را در یک دادگاه بین المللی با ادله و اسناد کافی به جرم جنایت علیه مردم ایران و علیه بشریت به محاکمه کشید. این محاکمه میتواند غیابا صورت بگیرد و احکام خود را صادر کند.

از نظریرونده جنائتی سران جمهوری اسلامی وضعیت ویژه ای دارند که حتی با موقعیت دیکتاتورهای نظیر پیونوشه کاملا متفاوت است. تعدادی از سران جمهوری اسلامی مانند رفسنجانی هم اکنون در پلیس بین المللی (اینترپول) پرونده دارند. و حتی بخاطر ترور عده ای از مخالفین در رستوران میکونوس در شهر برلین در آلمان غیابا محاکمه و محکوم شده اند.

جرم سران جمهوری اسلامی البته صرفا به جنایاتی که در خارج از کشور اتفاق افتاده محدود نمیشود. آنها بخصوص در جنایت علیه مردم ایران پرونده سیاه و سنگینی دارند: سرکوب خونین ۳۰ خرداد ۶۰ و یورش به دانشگاهها و کارگران بیکار و مردم کردستان، که بسیاری از دو خردادیهای امروز مستقیم یا غیر مستقیم در این جنایتها دست داشته اند، قتلهای زنجیره ای و اعدامهای جمعی تابستان ۶۷ و هزاران مورد اعدام و سنگسار و قصاص و قطع دست و پای انسانهای بیگناه از جمله اوراق این پرونده سیاه است.

جمهوری اسلامی از بلو روی کار آمدن بعنوان یک ماشین جنایت عمل کرده است و همه سران این حکومت از خانمانه ای و رفسنجانی و خاتمی که در دوره او جنایات ۱۸ تیر و قتلهای زنجیره ای اتفاق افتاد تا احمدی نژاد تیر خلاص زن و اعضای کابینه او که هم اکنون پرونده جنایاتشان روی سایتها است همه

اینها جزء آمرین و عاملین این ماشین کشتار و جنایت بوده اند.

در مورد دزدیها و چپاولگریهای سران حکومت هم حقیقت بر همه روشن است و آش آنقدر شور است که مقامات حکومت به وجود یک مافیای دولتی اعتراف میکنند و دقیقا مانند دار و دسته های مافیا برای بردن سهم بیشتری از درآمدهای نفتی و کلا خون یغمانی که بر سر آن نشسته اند بجان همدیگر افتاده اند و دزدیهای یکدیگر را رو میکنند.

ویژگی پرونده جمهوری اسلامی آشکار و فاش و غیر قابل انکار بودن ادله و شواهد آنست. موارد جرم و مجرمین بیش از هر مورد دیگری در تاریخ معاصر برای افکار عمومی آشکار و شناخته شده است. و همین واقعات به مراتب کار ما را برای تشکیل یک تریبونال بین المللی تسهیل میکند.

در آخر بر این نکته هم باید تاکید کنم که شاکیان و مدعی العموم این دادگاه مردم ایران هستند و نه دولتهای غربی. این یک دادگاه سیاسی نیست و نباید اجازه داد مانند دادگاه میلوسویچ و یا صدام حسین در چارچوب سیاست خارجی آمریکا شکل بگیرد. این یک دادگاه جنائی است که با هدف رسیدگی به جنایات سران جمهوری اسلامی علیه مردم ایران و علیه بشریت تشکیل میشود و از این نقطه نظر کسانی نظیر بوش و تونی بلر نیز مشخصا بدلیل فجایع عراق در صف متهمین قرار میگیرند و نه شاکیان. نیروی مورد اتکاب ما در تشکیل این تریبونال بین المللی نیز همان نیروهای هستند که برای تحقق اهداف دیگر پلاتفرم به آنان رجوع میکنیم. یعنی احزاب و سازمانها و شخصیتهای آزادیخواه و بشر دوست در سراسر دنیا.

محسن ابراهیمی: اجازه بدهید در آخر چند سئوال در باره کشمکش غرب و جمهوری اسلامی بر سر پروژه اتمی طرح کنیم و اینکه این اتفاق پیشبرد پلاتفرم حزب را چگونه تحت تاثیر قرار میدهد. اما قبل از آن لطفا توضیح بدهید که تحلیل شما از این ماجرا که مدیای جهانی آنرا بحران اتمی مینامند چیست؟ و راه حل این بحران کدماست؟ جمهوری اسلامی چه اهدافی را دنبال میکند؟ غرب و مشخصا آمریکا چه اهدافی را دنبال میکنند؟

از صفحه ۳

گفتگو با حمید تقوایی

حمید تقوایی: مساله دستیابی جمهوری اسلامی به سلاحهای هسته ای را در دو سطح باید مورد بررسی قرار داد. یک سطح، طرح مساله و "راه حل" های آن در چارچوب سیاستها و منافع آمریکا و سایر دول غربی است. طبعا این سطح از مساله است که در مدیای غرب مطرح میشود و همه توجه ها را به آنچه بحران هسته ای مینامند جلب کرده است. اساس مساله در اینجا نه نفس مجیز شدن يك دولت دیگر به سلاحهای دهشتناک هسته ای، و فرو رفتن بیشتر دنیا در کابوس يك جنگ اتمی، بلکه اصطکاک منافع دیپلماتیک و استراتژیک دول غربی با اتمی شدن جمهوری اسلامی است. اسرائیل مدتهاست سلاح اتمی دارد و همین دو سال قبل پاکستان اولین بمب اتمی خود را که مخفیانه و بی سر و صدا تولید کرده بود آزمایش کرد و هیچیک از دول و رسانه های غربی دچار بحران اتمی نشدند. اتمی بودن اسرائیل در قلب خاورمیانه نیز نه يك بحران بلکه يك موهبت اتمی برای دول غربی محسوب میشود. مجیز بودن به سلاحهای اتمی دول غربی و همه اعضای شورای امنیت که ظاهرا نقش پلیس اتمی دنیا را برای خود قائل هستند هم ظاهرا هیچ ربطی به بحران اتمی ندارد و مورد توجه و بحث هیچکسی نیست. گویا بحران اتمی یا بهترست بگوئیم کابوس اتمی دنیا با جمهوری اسلامی شروع شده و با ممانعت از پروژه اتمی ایران ختم خواهد شد.

این صورت مساله مردم جهان نیست. راه حلها هم نظیر تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران راه حل مردم نیست. مساله مردم قبل از هر چیز نفس مجیز شدن دولتها به سلاحهای هسته ای است. مردم با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی مخالفند چون با اتمی شدن هر دولتی در هر جای دنیا و مستقل از سیاستهای ضد غربی و بی پروا غربی اش مخالف هستند. "بحران اتمی" جمهوری اسلامی بخشی از کابوس اتمی است که همه دنیا را فرا گرفته است و از آمریکا بعنوان تنها دولتی که بمب اتمی را بکار برده و صدها هزار کودک و پیر و جوان و زن و مرد را در يك چشم به هم زدن خاکستر کرده است، تا اعضای شورای امنیت و همه دولتهای مجیز به سلاح اتمی از بازیگران و

هیولاهای شکل دهنده این کابوس هستند. مساله امروز اینست که جمهوری اسلامی نیز میخواهد به جرگه این هیولاهای پیوندد. و روشن است که با استاندارد و معیارهای دوگانه نمیتوان به سراغ مساله رفت. دولتهایی که خود به اسلحه اتمی مجهز هستند و آنرا علیه بشریت بکار برده اند در هیچ سطحی صلاحیت و حقانیت حکمیت در مورد اتمی شدن و یا نشدن دولتهای دیگر را ندارند.

مردم جهان خواهان خلع سلاح اتمی دنیا هستند و تنها در این چارچوب است که میتوان مقابله موثر و نتیجه بخشی را علیه پروژه اتمی جمهوری اسلامی، و هر دولت دیگری که بخواهد به بمب اتم دست پیدا کند، سازمان داد و به پیش برد. جلوگیری از دست یافتن دولتها به سلاح اتمی تنها بعنوان جزئی از مبارزه برای خلع سلاح اتمی دولتهایی که هم اکنون به این مخوف ترین سلاح کشتار جمعی مجهز هستند، حقانیت دارد و میتواند به نتیجه برسد. و نیروی این مبارزه مردم آزادیخواه و صلحدوست در ایران و در سراسر جهان هستند. تنها این نیروست که میتواند پروژه اتمی شدن جمهوری اسلامی را متوقف کند و در يك برنامه دراز مدت تر برای نابودی سلاحهای هسته ای در تمام کشورها و خلع سلاح اتمی دنیا بسیج شود و بمیدان بیاید.

محسن ابراهیمی: تقابل جمهوری اسلامی و غرب بر سر اتمی شدن حکومت اسلامی چه اشکالی ممکن است به خودش بگیرد؟ تاثیراتش در جنبش سرنگونی مردم از یکطرف و موقعیت جمهوری اسلامی از طرف دیگر چگونه خواهد بود؟

حمید تقوایی: این تقابل جزئی از جنگ میان دو قطب تروریستی دنیای پس از یازده سپتامبر، یعنی تروریسم دولتی غرب از یکسو و تروریسم اسلامی از سوی دیگر است. و لذا بالقوه میتواند تا ابعاد فاجعه آمیزی نظیر آنچه امروز در عراق شاهد آن هستیم به پیش برود. بوش اعلام کرده است که حمله نظامی به ایران را منتفی نمیداند و اروپائیهها از تحریم اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی سخن میگویند. از سوی دیگر روسیه و چین که بخاطر عضویت در شورای امنیت نظرشان

تعیین کننده است، طرفدار اقدامات ملایم تری هستند و يك نوع تحریم اقتصادی "هوشمند"، یعنی در واقع تحریمی که منافع اقتصادی آنان را در نظر بگیرد، را مطرح میکنند. هیچیک از این تمهیدات از نقطه نظر مردم ایران راه حل مساله نیست. تحریم اقتصادی به هر شکل و در هر سطحی همانطور که بالاتر توضیح دادم فشار بیشتری بر مردم ایران وارد خواهد کرد و به جمهوری اسلامی زمینه و محمل تازه ای برای توجیه فقر و بی امکاناتی که جامعه را فرا گرفته و تقویت موقعیت خودش بدست خواهد داد. نتایج حمله نظامی به جمهوری اسلامی از این نیز فاجعه بار تر خواهد بود. این حمله حتی اگر در شکل عملیات محدود صورت بگیرد جان و مال و هست و نیست مردم را بویژه در مناطقی که مجاور مراکز اتمی جمهوری اسلامی قرار دارند، در آتش خواهد سوزاند و به باد فنا خواهد داد. جمهوری اسلامی مراکز فعالیتهای هسته ای را در نقاط متعدد و پراکنده ای و در مجاورت شهرها و مناطق مسکونی ایجاد کرده است و حمله به این مراکز صدمات و تلفات جانی و مالی وسیعی را بدنبال خواهد داشت. بعبارت دیگر قربانیان حمله نظامی به ایران نیز نه جمهوری اسلامی بلکه مردم ایران خواهند بود.

جنگ با عراق برای رژیم مانند آسمانی بود و این بار نیز چنین خواهد بود. حمله نظامی غرب به ایران بخصوص اگر آنطور که مطرح میشود دولت اسرائیل در آن نقش داشته باشد جمهوری اسلامی را به قهرمان جهان عرب و کعبه اسلام سیاسی در خاورمیانه و سراسر جهان تبدیل خواهد کرد و در ابعادی بسیار وسیعتری از آنچه پس از حمله به عراق اتفاق افتاد تروریسم اسلامی را در خاورمیانه و در سراسر جهان تقویت خواهد کرد و گسترش خواهد داد.

به نظر من در شرایط حاضر احتمال حمله نظامی به ایران بسیار ضعیف است اما با حاد شدن کشمکش اخیر این احتمال بیشتر خواهد شد و باید با تمام قوا در برابر آن ایستاد. در این مورد نیز کلید حل مساله در دست مردم ایران است. مردم ایران باید با صدای بلند اعلام کنند که با هر نوع دخالتگری نظامی مخالفند و مبارزه با جمهوری اسلامی امر خود آنهاست. به درجه ای که جنبش اعتراضی و مبارزات

مردم در ایران گسترده تر شود و مردم در مقیاس وسیعتری نشان بدهند که میتوانند جمهوری اسلامی را با تمام تهدیدات اتمی و تروریستی اش بیزیر بکشند و از سر راه جارو کنند احتمال دخالتگری نظامی غرب نیز کمتر و ضعیف تر خواهد شد. جنبش انقلابی مردم ایران باید آگاهانه از کشمکش بین غرب و جمهوری اسلامی به نفع خود استفاده کند و در عین حال بروشنی نشان دهد که در برابر هر دو قطب قرار دارد و راه حلها و آلترناتیوهای هیچیک از آنان را به دیگری ترجیح نمیدهد. متحد و پشتیبان مردم ایران در این مبارزه مردم شریف و آزادیخواه جهان هستند. میلیونها مردمی که در مخالفت با حمله عراق به خیابانها ریختند و اعتراض کردند میتوانند علیه حمله نظامی به ایران نیز بسیج شوند و بمیدان بیایند. رشد مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و علیه جنگ مهمترین و موثر ترین عامل در بسیج و بحرکت در آوردن این نیروی جهانی است.

محسن ابراهیمی: اعلام پلاتفرم حزب برای تعرض گسترده به جمهوری اسلامی در خارج، اتفاقا با جنجال اتمی حکومت اسلامی همزمان شده است. تاثیرات این اتفاق روی پیشبرد اهداف پلاتفرم چگونه است؟ با توجه به این موضوع، آیا زمینه برای تحقق اهداف پلاتفرم آماده تر شده است؟ در رابطه با پروژه اتمی حکومت اسلامی و تقابل جمهوری اسلامی و غرب بر سر این موضوع، حزب باید چگونه برخورد کند و چه تبلیغات و فعالیتهایی در خارج را در دستور بگذارد؟

حمید تقوایی: مسلما در این دوره مقابله مشخص با هر دو قطب این کشمکش، تبلیغ و اشاعه راه حل انسانی این مساله و بسیج و بمیدان آوردن نیرو برای تحقق آن جای مهمی در فعالیتهای حزب هم در ایران و هم در خارج کشور خواهد داشت. حزب ما تا کنون قطعنامه ها و نوشته ها و بیانیه های متعددی هم در رابطه با مساله فعالیتهای هسته ای جمهوری اسلامی و هم احتمال حمله بروشنی سیاست ما در قبال آنچه بحران اتمی ایران نامیده میشود را تعیین میکند و راهنمای فعالیتهای ما در قبال این مساله خواهد بود.

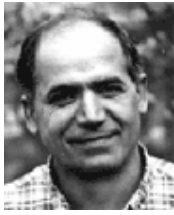
در يك سطح عمومی تر و تا آنجا که به خارج کشور مربوط

میشود این فعالیتهای در همان چارچوب پلاتفرم تعرض علیه جمهوری اسلامی قرار میگیرد. اخراج حکومت اسلامی از جامعه جهانی که هدف اعلام شده پلاتفرم است، با فعال شدن مجدد جمهوری اسلامی در پروژه اتمی هم زمینه و حقانیت بیشتری پیدا میکند و هم در برابر "راه حلها" ضد انسانی نظامی و اقتصادی دولتهای غربی آلترناتیو دیگری را قرار میدهد که راه حل مردم ایران و مردم شریف و آزادیخواه جهان است. در طرح و اشاعه و تحقق این راه حل انسانی حزب ما نقش تعیین کننده ای بعهده دارد. ما باید بتوانیم بعنوان پرچمدار و نماینده و سخنگوی جنبش جهانی علیه سلاحهای اتمی و علیه جنگ و سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش و همچنین علیه اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در راس اعتراضات قرار بگیریم و نیروی هر چه وسیعتری را بسیج کنیم و بمیدان بیآوریم. دستاوردها اخیر حزب و جنبش ما در عرصه جهانی، نظیر مقابله با دادگاههای اسلامی در کانادا و پیشرویهایی ما در مبارزه علیه اعدام و سنگسار و در تقویت سکولاریسم و مقابله با اسلام سیاسی در کشورهای اروپایی حزب را در موقعیت مساعدی برای ایفای این نقش قرار میدهد. هم اکنون نیروها و سازمانهای متعدد سکولار و مدافع حقوق زنان و کلا شخصیتها و نهادهای مترقی و انساندوست در آمریکا و اروپا از این فعالیتهای کمپین ها استقبال کرده و به آن پیوسته اند. ما وظیفه داریم و میتوانیم این نیرو را در جهت تحقق اهداف پلاتفرم بسیج کنیم و بمیدان بکشیم.

وجه دیگر فعالیت ما انعکاس اخبار مبارزات کارگران و مردم در ایران و جلب حمایت برای این مبارزات است. در این زمینه نیز حزب فعالیتهای گسترده ای داشته است که آخرین، و یکی از موفق ترین، نمونه های آن جلب حمایت از مبارزات جاری کارگران شرکت واحد است. مبارزات و اعتراضات کارگران و مردم هم از نظر کیفی و هم کمی در حال رشد و گسترش است و این مهمترین عاملی است که راه را بر سناریوهای غربی برای مقابله با تلاشهای اتمی جمهوری اسلامی میبندد و راه واقعی و انسانی و متمدانه مساله را به همه جهانیان نشان میدهد. *

آقای محبوب، بساطتان را بزودی جمع خواهیم کرد!

اصغر کریمی



است. مگر دستگیری اسانلو کارگران شرکت واحد را مرعوب کرده است؟ مگر جلو چشم قالیبیاف و صدها مامور انتظامی و لباس شخصی و عوامل خانه کارگر، ورزشگاه آزادی را به تجمع اعتراضی تبدیل نکردند؟ بهتر است به دور و برتان نگاه کنید ببینید چگونه در محاصره مردمی قرار گرفته اید که خشم سراپای وجودشان را گرفته است؟ نمی بینید از در و دیوار علیه تان نفرت میبارد؟ آنتن ها را بر پشت باهما نمی بینید که تمام هنر سانسورتان را جلو چشمتان در هم شکسته اند؟ شکاف در بالاترین هرم حکومت تان را نمی بینید که هرروز عمیق تر و بازتر میشود، برادرانتان در وزارت اطلاعات را نمی بینید که با چه ذلتی روی خط تلویزیون انترناسیونال میایند تا دو دقیقه از وقت دیگران بلزدند و با ترس و لرز مزخرفی بگویند؟ بساطتان را بزودی جمع خواهیم کرد. تردیدی نداشته باشید روزی که مردم در مقابل جوب هایتان جوب بردارند و در مقابل کلاشینکف هایتان کلاشینکف دور نیست. *

از انقلاب نیستند، برای آشنائی بیشتر با این ارگان و سرکردگان آن به اسناد و نوشته های مستند مربوط به شکل گیری خانه کارگر رژیم مراجعه کنند و یا از رفقای قدیمی تر خود بخواهند که سابقه این نهاد را برایشان تعریف کنند. اینها در سالهای اخیر چند سالی پایبون زدند و خالکوبی ها را پنهان کردند اما با وخیم شدن اوضاع، قمه ها دوباره در جیب ها قرار گرفت و رجزخوانی ها شروع شد.

طبق گفته مقامات حکومت، هر سه ماه بیش از ۲۰۰۰ اعتصاب در مراکز کارگری صورت میگیرد که طبق قوانین اسلامی همه غیرقانونی هستند و بزرگ تر از محبوب و صادقی هم قادر به خاموش کردنش نیستند. اعتصاب و اعتراض از همه جا زیانه میکشد و کسی قادر نیست جلو آنرا بگیرد. میلیونها جوان دختر و پسر همه مقدسات شان را هر روز و در جلو چشمان حزب اله و نیروی انتظامی و لباس شخصی زیر پا له میکنند و شلاق های برادران محبوب و صادقی آنها را به تسلیم نکشاند است.

دوره ای که بتوانید کارگران را مرعوب و خانه نشین کنید گذشته

کارگر را که توسط فعالین کارگری ایجاد شده بود تحت کنترل خود گرفتند، هزاران کارگر رادیکال و کمونیست را به زندان انداختند، اعدام کردند و یا از کار اخراج کردند، شوراهای آزاد و مستقل کارگری و هر تشکل مستقل از دولت را در هم شکستند و بدین ترتیب خانه کارگر را در دست گرفتند و شوراهای اسلامی را در کارخانه ها شروع به سازماندهی کردند تا در کنار زندان و شکنجه، در هر کارخانه ای بتوانند رهبران کارگری را تحت فشار قرار دهند و اعتراضات را کنترل کنند. اینها همزاد جمهوری اسلامی هستند و همانطور که محبوب میگوید ارگانی هستند برای دفاع از قوانین حکومت اسلامی و سرکوب هر حرکتی که در چهارچوب رژیم قوانینش نباشد، ارگانی برای سرکوب و لو دادن کارگران سوسیالیست و رهبران اعتصابات، و بویژه ارگانی برای جلوگیری از ایجاد تشکل های آزاد کارگری و مستقل از دولت. اسم اسلامی این نهاد به حد کافی ماهیت فاشیستی، سرکوبگرانه، ضدکارگری و ضدمردمی آنرا جار میزند. توصیه میکنم رفقای کارگر جوان که از نزدیک در جریان مسائل سالیهای پس

و کارت موکت بری و چوب و پنجه بکس سراغ دیگران میرویم. محبوب در این مصاحبه خودش را رسماً چماقدار و اوباش حکومت معرفی میکند و اصرار دارد که همه او را به همین عنوان بشناسند. اما کابوس بهم ریختن بساط شوراهای اسلامی و کل دم و دستگاه استعمار و دزدی و فساد اینها، در اوج رجزخوانی های او داد میزند. در این مصاحبه دارد از قانون و قانون گرایی و "برخورد" با فعالیت های غیرقانونی دم میزند اما بیچاره انگار یادش میبرد که خود سر از فعالیت های "غیرقانونی" و خارج از مدار قانون برای برخورد با کارگران و تشکل های غیروابسته به دولت در میاورد. چنان کنترل از دست داده است که درست در اوج رجز خوانی، یادش میبرد که نباید از شکاف و دودستگی در بالاترین سطح کانون عالی شوراهای اسلامی حرف بزند. اینها ۲۷ سال است قمه میکشند و سر میبرند و همه آنها را میشناسند. سالیهای بلافاصله پس از انقلاب را خیلی ها به یاد دارد که چگونه محبوب و صادقی در معیت سپاه و حزب اله و سایر نیروهای رسمی و غیررسمی سرکوب، خانه

اخیرا ماهنامه تولید مصاحبه ای با علیرضا محبوب دبیر خانه کارگر جمهوری اسلامی، درمورد هجوم باندهای خانه کارگر و شورای اسلامی شرکت واحد به دفتر سندیکی کارگران و کارکنان شرکت واحد در ۱۹ اردیبهشت ۸۴ ترتیب داده است که برای شناخت این ارگان به خواندنش می ارزد. در این مصاحبه محبوب شمشیر از رو بسته و علنا سندیکی واحد را تهدید میکند و برای اسانلو پاپوش دوزی میکند. میگوید امنیت فقط برای کسانی وجود دارد که در حریم قانون فعالیت میکنند و حتی اگر کسی را که فعالیتش خارج از چهارچوب قانون است بکشیم قتل محسوب نمیشود، به صراحت میگوید بیرون قانون، ما برای هیچ کسی امنیت قائل نیستیم، مسئولین سندیکی واحد را خلافکار معرفی میکند، و حتی استفاده از کلمه سندیکا و یا کراوات زدن را هم جرم میدانند و میگوید ما نسیگناریم از کلمه سندیکا استفاده کنند اگر میخواهند در ایران زندگی کنند. میگوید بنویسید که از این پس خانه کارگر خودش "برخورد" میکند یعنی با قمه

فستیوال آدم برفی در سندج یک حرکت انسانی، عظیم، پیشرو و رادیکال

کمکهای مالی رسیده به حزب

کانادا

- ۱- جمشید هادیان ۱۰۰ دلار
- ۲- دوستداران حزب از طریق جمشید هادیان ۱۰۰ دلار
- ۳- سعید صالحی نیا (کمونیست کارگری، تلویزیون رنگارنگ) ۲۰۰ دلار

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338
Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

روز در دفاع از حقوق کودک، در دفاع از حقوق انسانی و جهانشمول کودکان حضور داشتند، درود می فرستد.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ دیماه ۸۴، ۱۴ ژانویه ۲۰۰۶

حق خود میدانند و عزم جزم کرده اند برای تغییر دنیایی که کودکان در آن بر هر منفعت اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیکی مقدمند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به همه دست اندرکاران این فستیوال و تمامی انسانهای آزادیخواه و برابری طلبی که در این

جنبش عظیم اجتماعی است که هر ساله با طرح مطالباتش، هزاران نفر را حول شعارها و مطالبات رادیکال و بسیار پیشرو و انسانی در دفاع از حقوق کودک به میدان میاورد. این یک پیشرفت بزرگ و یک دستاورد مهم جنبش اعتراضی مردم علیه سنن عقب مانده و مذهبی و علیه کلیت جمهوری اسلامی و همه قوانین ضدانسانی و ضدکودک آن است. زن و مرد، دختر و پسر وسیعا در این فستیوال شرکت میکنند و بی توجه به نیروهای سرکوب گوشه ای از دنیای شادی که آرزو میکنند را به نمایش میگذارند. دامنه وسیعی که جنبش دفاع از حقوق کودک در بسیاری از شهرها بخود گرفته است نشانگر عزم مردمی است که شادی و خوشبختی و یک زندگی انسانی را

حقوق کودک است. حرکتی است عمیقاً انسانی و مدرن علیه بیحقوقی و تبعیضات بیشمار علیه کودکان، علیه قوانین ضدکودک و سنتها و ارزشهای عقب افتاده و غیرانسانی. حرکت مردم پیشرو و آزادیخواه و برابری طلب است به نابرابریهای موجود در جامعه و اعتراض است به سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانی جمهوری اسلامی. این سنت چهار سال قبل در سندج شروع شد و با استقبال وسیع مردم مواجه گردید اما به سرعت دامنه آن از سندج فراتر رفت و امروز در اکثر شهرهای کردستان با ریزش اولین برف بطور وسیعی به استقبال آن میروند و هرروز دامنه آن وسیعتر میشود. آنچه به جشن و یا فستیوال آدم برفی ها معروف شده است، یک

روز جمعه ۲۳ دیماه به فراخوان کانون دفاع از حقوق کودکان در پارک امیریه شهر سندج جشن آدم برفی ها، فستیوال دفاع از حقوق کودک با شرکت هزاران نفر برگزار شد. دهها پلاکارد از جمله: "حقوق کودک جهانشمول است"، "کودکان مقدمند"، "خشونت علیه کودکان ممنوع"، "کار حرفه ای برای کودکان ممنوع" در گوشه های مختلف پارک نصب شده بود و کودکان همراه با خانواده هایشان در این جشن شرکت کردند و روزی شاد را با بیان آرزوهایشان، با نقشی، با ساختن مجسمه و یا برف بازی با دوستانشان سپری کردند.

"فستیوال آدم برفی" حرکتی اعتراضی و اجتماعی در دفاع از

حمایت از نمایندگان کارگری و کارگران معترض یک رکن مهم اتحاد و همبستگی در میان کارگران است



شهلا دانشفر

قراردادهای دسته جمعی و در راس آن افزایش دستمزدها را به صورت قطعنامه های روشن و رو به جامعه اعلام کنند و کل کارگران و کل جامعه را به حمایت از خواسته های خود فرا بخوانند. بدون شک پیش کشیدن تمامی این خواسته ها صف متحدی از کلیه کارگران بوجود خواهد آمد و در برابر آن رژیم در موقعیت به مراتب ضعیف تری قرار خواهد گرفت. بویژه اکنون که به آخر سال نزدیک میشویم و بحث بر سر خواست افزایش دستمزدها داغ میشود، اگر کارگران شرکت واحد پرچمدار مبارزه برای این خواست و همانطور که در میان خودشان این بحث بالا گرفته خواهان خواست افزایش دستمزدها حداقل ۵۰۰ هزار بشوند، صف متحد تر و گسترده تری از مبارزه برای مبارزه حول خواسته های سراسری ای که امروز از سوی کارگران شرکت واحد پرچم آن بلند شده است شکل خواهد گرفت. تنها با چنین تعرضی است که کارگران شرکت واحد خواهند توانست نه تنها خواسته هایشان را عملی کنند بلکه در راس همه اسانلو از زندان آزاد شود و نگارنده که فعالین و رهبران کارگری مورد فشار و تعرض قرار گیرند. در برابر تعرض دفاع کافی نیست باید با تعرضی گسترده و اتحادی سراسری به تقابل با آن بلند شد. *

که رژیم کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد را زیر فشار اعتراض کارگران ناگزیر شد آزاد کند، اما اسانلو را در زندان نگاهداشت. در زندان نگاهداشتن اسانلو در واقع فشاری است بر روی این سندیکا و فعالین و رهبران کارگری در شرکت واحد. به معنی خلاصه شدن خواسته های کارگران در خواست آزادی اسانلو و برای فرسوده کردن و سردواندن آنان. همچنین با توجه با جایگاه سیاسی و اجتماعی اعتراضات کارگران شرکت واحد، در زندان نگاهداشتن اسانلو در واقع فشاری است بر مبارزه کل کارگران. از همین رو امروز آزادی فوری و بدون قید و شرط اسانلو از زندان و به دور ریخته شدن پرونده های کارگران دستگیر شده در سندیکای شرکت واحد و لغو فوری احکام صادر شده برای کارگران اول مه سقز امری فوری و حیاتی برای پیشروی های بعدی ماست. نکته آخر این که برای آزادی اسانلو از زندان و برای عقب راندن تهاجمات رژیم دفاع کافی نیست. باید رژیم را متوجه کرد که این تعرضات باعث عقب کشیده شدن کارگران از خواسته ها و مطالباتشان نخواهد شد.

در زندان نگاهداشتن اسانلو یعنی نه به همه خواسته های کارگران شرکت واحد. امروز کارگران شرکت واحد باید نه تنها خواستار آزادی فوری اسانلو شوند، بلکه باید دیگر خواسته های خود، خواست آزادی حق تشکل و به رسمیت شناخته شدن سندیکای واحد، خواست انحلال شوراهای اسلامی و خواست انعقاد

دارند، اکنون که یکماه از مبارزه این کارگران میگذرد و هنوز اسانلو در زندان است و رهبران و فعالین کارگران شرکت واحد هر روز مورد تهدید و فشار قرار میگیرند، باید کارگران شرکت واحد همچون تنی واحد در برابر این فشارها بایستند. اتکا به مجمع عمومی کارگری و بر پای منظم این مجامع در مناطق دهگانه اتوبوسرانی، برپایی اجتماعات اعتراضی برای آزادی منصور اسانلو و جلوگیری از هرگونه فشار و تهدید بر روی دیگر فعالین سندیکای شرکت واحد امروز یک رکن حیاتی ادامه این مبارزات و به پیروزی رساندن آنست. امروز باید کاری کنیم که کارگری چون عبدالرضا ترازوی که در مصاحبه ها و در صحبت هایش تلاش کرده است تا فریاد اعتراض کارگران شرکت واحد و کارگران در ایران را به گوش کل جامعه و کل دنیا برساند، مورد تهدید و فشار قرار نگیرد و هر گاه او و کارگرانی مثل او را خطری تهدید کرد، ببینند که تنها نیستند. ببینند که همه همکارانشان و همه کارگران در کنارشان هستند. ببینند که در برابر چنین اتفاقی ما ساکت نخواهیم بود و دنیا را بر روی سرشان خواهیم گذاشت. آنوقت با اتکا به اتحاد و همبستگی گسترده کارگری است که چنین کارگرانی خواهند توانست همچنان نقش پیشرو داشته باشند و در جلوی صف مبارزه حرکت کنند. همانطور که اشاره کرد صدور احکام زندان برای کارگران اول مه سقز، حمله به فعالین سندیکای شرکت واحد تعرضی به کل کارگران بود. ما دیدیم

در جهت متحد نگاهداشتن صفوف کارگران و حمایت از نمایندگان کارگری از طریق متکی شدن این مبارزات به مجامع عمومی کارگری بدست داده است. باید این درسها را بکار گرفت. در مبارزه کارگران نساجی کردستان و نساجی شاهر در سقز و دستگیری فعالین کارگری در آنجا و نیز در حمله به سندیکای شرکت واحد و دستگیری ۱۲ نفر از اعضای هیات مدیره این سندیکا در ۱ دی دیدیم. رژیم با حمله با رهبران و فعالین کارگری تلاش دارد تا با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران، در صفوف متحد مبارزاتی آنها شکاف بیندازد و مبارزاتشان را عقب براند. رژیم رهبران و فعالین معترض را مورد تهدید و تعرض قرار میدهد تا از رهبری و هدایت این مبارزات توسط این کارگران که همواره نقش پیشرو و پیشتاز در مبارزات کارگری دارند مانع شود و از گسترده شدن این مبارزات جلوگیری کند. بکارگیری این سیاست امروز جایگاه مهمتری برای رژیم پیدا کرده است، چرا که رشد هر روزه مبارزات کارگری و برپایی چند هزار حرکت و اعتراض کارگری در همین چند ماهه اخیر به یک معضل جدی برای آن تبدیل شده است. باید با تمام قوا در برابر این سیاست سرکوبگرانه رژیم ایستاد. یک رکن مهم در حفظ اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزاتشان حمایت و پشتیبانی کارگران از نمایندگان و کارگران معترض است.

یکی از شیوه های رژیم در به عقب راندن اعتراضات کارگری تهدید و احضار فعالین و رهبران کارگری است. این را در اعتراضات گسترده کارگران نساجی کردستان و نساجی شاهر در سقز و دستگیری فعالین کارگری در آنجا و نیز در حمله به سندیکای شرکت واحد و دستگیری ۱۲ نفر از اعضای هیات مدیره این سندیکا در ۱ دی دیدیم. رژیم با حمله با رهبران و فعالین کارگری تلاش دارد تا با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران، در صفوف متحد مبارزاتی آنها شکاف بیندازد و مبارزاتشان را عقب براند. رژیم رهبران و فعالین معترض را مورد تهدید و تعرض قرار میدهد تا از رهبری و هدایت این مبارزات توسط این کارگران که همواره نقش پیشرو و پیشتاز در مبارزات کارگری دارند مانع شود و از گسترده شدن این مبارزات جلوگیری کند. بکارگیری این سیاست امروز جایگاه مهمتری برای رژیم پیدا کرده است، چرا که رشد هر روزه مبارزات کارگری و برپایی چند هزار حرکت و اعتراض کارگری در همین چند ماهه اخیر به یک معضل جدی برای آن تبدیل شده است. باید با تمام قوا در برابر این سیاست سرکوبگرانه رژیم ایستاد. یک رکن مهم در حفظ اتحاد و همبستگی کارگران در مبارزاتشان حمایت و پشتیبانی کارگران از نمایندگان و کارگران معترض است.

جنبش کارگری در ایران در همین چند ساله اخیر درسهای آموزنده ای

دفاتر این نهاد در کشورهای مختلف است.
انترناسیونال

کارگران واحد در گوتنبرگ سوئد، تظاهرات در استکهلم و فرانکفورت اعلام تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر ای-۱-او در ژنو و تعدادی از

واحد راه انداخت و فعالیتهای متنوع دیگری در حمایت از کارگران واحد در دستور گذاشت. از جمله این فعالیتهای شب همبستگی با

اعتراض را در سطح وسیع به اطلاع سازمانهای بشردوست و اتحادیه ها و مردم جهان رساند. کمپین وسیعی برای جلب حمایت از مبارزه کارگران

در جریان اعتصاب و اعتراض کارگران اتوبوسرانی واحد، تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری اخبار این

تظاهرات در مقابل سازمان بین المللی کار در ژنو و دفاتر آن در کشورهای مختلف

آن، ما از حق کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت به دفاع برخاسته ایم. * اطلاعیه های بعدی جزئیات مربوط به زمان و مکان این حرکت اعتراضی را به آگاهی عموم خواهیم رساند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

بیرون انداخته شوند! تلاش برای انحلال شوراهای اسلامی و پایین کشیدن آنها از کرسی "نماینده گی کارگران"، در واقع حمایت از تلاش گسترده کارگران ایران برای ایجاد تشکلهای واقعی و مستقل از دولت است. با طرح این خواست و سازمان دادن اعتراض بین المللی برای تحقق

بین المللی کار اخراج شوند. شوراهای اسلامی و خانه کارگر ارگان های دست ساز رژیم علیه کارگران و اهرم های سرکوب کارگران مبارز و رادیکال هستند که پرونده ای پر از جنایت علیه کارگران دارند. این نهادهای ضد کارگری باید منحل شوند و از مجامع بین المللی نیز

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران تظاهرات ایستاده ای را در مقابل مقر مرکزی این سازمان در ژنو و همچنین دفاتر ILO در چند کشور برپا می کند. نمایندگان جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی باید از سازمان

برای اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی از سازمان بین المللی کار، آی.ال.او در همبستگی با ۱۷ هزار کارکنان و رانندگان شرکت واحد که خواستار انحلال شوراهای اسلامی هستند و در اعتراض به حضور شوراهای اسلامی بعنوان "نمایندگان کارگران" در سازمان بین المللی کار،

صحبتهای دو تن از فعالین سندیکای شرکت واحد در برنامه تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر"، برنامه ای از شهلا دانشفر

من حسن هستم کارگر شرکت واحد از تهران زنگ میزنم خدمتتان.

شهلا دانشفر: بله بفرمایید خواهش میکنم، ممکنه ما رو در جریان آخرین اخبار بگذارید؟

حسن: ما در پی جلساتی که داشتیم تصمیم گرفتیم يك اخطاری به دولت بدهیم بابت آزاد کردن آقای اسانلو. اعتقاد داریم که بازداشت ایشان غیرقانونیه و اعلامیه ای پخش میشه در این ارتباط تا عواقب بعدی بازداشت ایشان بعهد دولت باشه. چون ما الان شاهد هستیم که در سطح شرکت واحد شایعه پراکنی علیه آقای اسانلو خیلی شدید شده البته توسط عوامل مشکوک که هیچ ربطی به شرکت واحد ندارند. خودشون روانده معرفی میکنند ولی اصلا راننده نیستند و معلوم نیست که از کجا سرچشمه میگيرند، و خواستههای کارگران هم که فعلا کماکان بدون توجه باقی مانده و هیچ توجهی بهش نشده و ما خواسته هامون رو توی اعتصابمان هم اعلام کرده ایم ولی هنوز به هیچکدام از این خواسته ها جواب منطقی و درستی داده نشده. ما بیانه اعتصابمان به این شرح بوده، آزادی بی قید و شرط فعالان سندیکایی در بند، اعلام آزادی فعالیت تشکلهای آزاد واقعی کارگری، سندیکاها، در اجرای تفاهنامه مورخه ۸۳/۷/۱۳ توسط وزیر کار و نماینده سازمان آی ال او، و همینطور بر طبق مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸، انعقاد پیمان دستجمعی ششم در راستای بهبود شرایط معیشتی کارگران. همانطوریکه متوجه هستید این خواسته ها، خواسته های چندان بزرگی نیستند. منتهای مراتب هنوز هیچ جواب درستی به هیچکدام اینها داده نشده بلکه فقط قولهای لفظی هستند که هیچکدام هم ضمانت اجرایی ندارند و ما منتظریم ببینیم دولت چکار میخواد بکنه هر چند میدونیم که احتمالش خیلی کم است که پاسخ درستی بمانده.

شهلا دانشفر: آیا فکر نمیکنید دولت ۱۵ روز وقت خواسته بود و الان ۲۰

روز گذشته و دوره انتظار بنوعی سرآمده؟ الان میخواید چکار کنید؟
حسن: ببینید اعتقاد ما اینه که تنها سلاح کارگر اعتصابه و باید این اعتصاب دوباره پا بگیره و ما مصرايه خواهان این هستیم و از اعضای هیئت مدیره سندیکامون هم میخوایم که اینکار را انجام بدن و به خواست کارگران احترام بگذارند و اگر هم حتی عواملی هستند که جلوشو میگيرن بقیه اعضای هیئت مدیره باید جلوشون ایستادگی کنن تا بتونیم که حق و حقوقمان را با سلاح خودمون بگیریم چونکه ما سندیکالیستها معتقدیم که اینقدر سرمایه داری در داخل ایران پیشرفت کرده و بصورت مافیایی ریشه دوانده که مجلس و دولت و همه را در اختیار خودش داره و حتی اگر قانونی هم تصویب بشه اینها جلوشو میگيرن و نمیکارن که بنفع کارگران برنامه ای انجام بشه و قانونی تصویب بشه چون اکثر نمایندگان دولتیان خودشون سرمایه داران بزرگی هستند و صددرصد جلوی این کارها را میگيرن و نمیکارن که بنفع کارگر کاری انجام بشه و ما فقط میتونیم با اتکا به سلاح خودمون که همون اعتصاب و اتحادمون است جلوی این کار اینها بایستیم.

شهلا دانشفر: انتظارتون از مردم و از بخشهای مختلف جامعه چیست؟
حسن: ما از تمام مردم آزاد اندیش و از تمام کسانی که بنوعی دستی در آتش دارند میخوایم که از ما حمایت کنند چون ما احتمالا و به احتمال خیلی زیاد يك اعتصاب دیگری در پیش داریم و آنموقع میخوایم که در کنار ما باشند و میتوانند در روز اعتصاب با حضورشان و با کمکهای مالی و جنسی شان حمایت کنند و الان هم که شماره حسابمان در خدمتتان است. از تمام کسانی که میتونن خواهش میکنیم کمک کنن و به این نهضت نوپا یاری بدن.

شهلا دانشفر: اصغر کریمی اینجاست. مهمان برنامه ماست. اصغر کریمی مثل اینکه صحبتی داشتید.

اصغر کریمی: اولاً سلام میکنم به شما و سوالم اینه که شما در اخطاری که داده اید و توزیع شده و یا داده اید به وزارت کار، روز خاصی را تعیین کرده اید بعنوان اعتصاب؟ شما به درست میگین که حربه اصلیتون و قدرتتون در اتحادتون و اعتصابتون است، بالاخره شما بهتر در جریان هستید که چه جور این اجرا و عملی میشه. آیا بعداً اطلاعیه ای میدین و روزی را تعیین میکنین و خواسته هاتون رو میگین و دست به اعتصاب میزنین؟ بهرحال دوست داشتم در این زمینه شنوندگان را بیشتر در جریان بگذارید.

حسن: با سلام خدمت شما، بله ما از روزیکه سندیکا تاسیس شده همیشه تمام کارهامون با نوشتن اطلاعیه و خیلی واضح بوده. ما پشت پرده چیزی نداشتیم ایم و الان هم این اعلامیه ای که بصورت اخطار داده ایم در سطح وسیعی پخش میشه و ما به دولت اخطار دادیم که اگر آقای اسانلو آزاد نشه و به خواستههای کارگران اعتنایی نشه عواقب بعدی این کار بعهد خود دولت است و باید مسئولیتش را بپذیرند. خواسته ما اینه که آقای وزیر کار خیلی راحت بیایند پشت تریبون اعلام کنن که سندیکا غیر قانونیه! اگر اینکار را میکنند، خب ما هم قبول داریم و میریم کنار. ولی باید تبعاتش را هم بگردن بگیرن و ما هم اگر روزی قرار بشه که اعلام اعتصاب کنیم که حتما هم اینکار را میکنیم با اعلامیه و خیلی روشن و با اطلاع رسانی کامل این کار را میکنیم.

شهلا دانشفر: شما به چند خواست اشاره کردین و گفتین که بیانییه اعتصابتون شامل سه بند بوده، که آزادی تمام دستگیر شدگان بدون قید و شرط و مسئله برسمیت شناختن سندیکا و قراردادهای دسته جمعی بوده. در قراردادهای دسته جمعی نکات فراوانی است. کدام جنبه های این قراردادهای دسته جمعی مورد تاکید شماست؟

حسن: ببینید طبق قانون، کارهایی که جنبه مستمر دارند و دائمی هستند، کارگران قراردادی را تا یک

مدتی (در عرف شرکت واحد تا مدت سه ماه بوده) میتونن قراردادی نگه دارن ولی بعد باید تکلیفش روشن بشه و یا اینکه خاتمه قرارداد اعلام بشه. اما در شرکت واحد الان کارگرای هستند که ۴ یا ۵ سال و مدتهای متمادی و طولانی است که قراردادی هستند که این برخلاف قانون و برخلاف تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار است و برخلاف عرف کار است. ما خواستار این هستیم که قانون انجام بشه و کارگران رسمی بشن چونکه الان بخاطر همین قراردادی بودن، از کارگران ما کارهایی اضافه بر شرح وظایفشان خواسته میشه و حتی مجبور میشن که در روز حدود ۱۸-۱۷ ساعت کارکنن و مجبور میشن روزهای تعطیل سر کار برن و اگر هم اعتراضی بکنن چون قراردادی هستن تهدید به اخراج میشن و حتی اگر اینها رو به سندیکا بیان علنا تهدید شده اند که اخراج میشن و کارشون را از دست میدن.

شهلا دانشفر: پس بنابراین اینجور که شما صحبت میکنین يك بند آن مسئله برسمیت شناختن استخدام های قراردادی است؟

حسن: بله، میدونید که ما در این مسئله انعقاد پیمان دسته جمعی ششم، چون ما پنج تا پیمان دسته جمعی داشتیم. نوشتیم انعقاد پیمان دسته جمعی ششم در رابطه با بهبود شرایط معیشتی کارگران طبق فصل هفتم قانون کار. در داخل این پیمان دسته جمعی تمامی این موارد اومده از جمله تهیه مسکن مناسب طبق اصل ۳۱ قانون اساسی و ماده ۱۴۹ قانون کار، رسمی شدن قراردادی ها، افزایش حقوق نسبت به تورم که حداقلش طبق اعلام بانک مرکزی میتونه باشه، دریافت مزایای شغلی مناسب مانند سازمانهای صنفی دیگر، چونکه اگر الان مستظهر باشین در شرکت واحد مثلا کارگران روزانه ۳۰ تومان پول ناهار میگيرن که حتی پول یکدونه نون بربری هم درایران نمیشه.

شهلا دانشفر: یکی از مواردی که اشاره

این برنامه روز سه شنبه ۲۷ دیماه اجرا شد و اصغر کریمی میهمان برنامه بود. دو نفر از فعالین سندیکای شرکت واحد در این برنامه صحبت کردند. با تشکر از ناصر احمدی، کادر حزب کمونیست کارگری که این متن را پیاده کرده است، در اینجا صحبت آقای حسن از فعالین سندیکای شرکت واحد را میخوانید. انترناسیونال

کردید مسئله افزایش دستمزد ها بود. با توجه به اینکه الان آخر سال است و این مسئله که هم در دستور کار دولت قرار داره و هم در محیط های مختلف کارگری موضوع بحث هستن آیا فکر نمیکنید که با توجه به این مقطع خود این مسئله باید بعنوان يك بند مشخص در خواست های شما گنجانده بشه؟ و فکر نمیکنید که آیا باید با رقم معینی آمد جلو؟ با توجه به اینکه الان خیلی از همکاران شما صحبت از ۵۰۰ هزار تومان میکنن و اومدن تو این برنامه این بحث را مطرح کرده اند. شما تو این زمینه فکر چه فکر میکنید. فکر میکنید چکار باید کرد؟ آیا فکر نمیکنین که باید يك بند مشخص باشد تو خواسته هاتون؟

حسن: ببینید ما اول اعتقاد داریم که باید نماینده واقعی کارگران باشن. چون این حقوق هایی که تعیین میشه، چون نماینده واقعی ما نیستند این کسانی که تعیین میکنند این حقوقها را، همه شون بنوعی به نفع کارفرما عمل میکنن حالا به انحاء مختلف. شما اگر مثلا سال قبل را در نظر داشته باشین ۱۲۲ هزار تومان اعلام شد که کسانیکه اینو تایید کردن واقعا يك لکه ننگی برای خودشون ساختند. چرا که با ۱۲۲ هزار تومان اصلا در ایران نمیتونی زندگی کنی. ما خواهان این هستیم که کارگران بتونن زندگی کنن. این مبلغ هم حداقلش همانطوریکه شما فرمودین میتونه ۵۰۰ هزار تومان باشه چون زیر این مبلغ فکر نمیکنم اصلا تو ایران امکان زندگی باشه. واقعا الان گرانی بیاد میکنه، مسکن واقعا الان گرونه و خورد و خوراک و پوشاک و هزینه تحصیل بچه ها واقعا گرونه و الان حتی طوری شده که برخلاف سالهای گذشته اکثر خانم ها هم مشغول به کار شدن و کارهای سنگین با مزد های پایین میگيرن

از صفحه ۷ صحبت‌های دو تن از فعالین ...

چون مجبورند که زندگیشونو بچرخون.

اصغر کرمی: در مورد دستمزد، شهلا دانشفر اشاره کرد و خودتون هم اشاره کردین به این که واقعا دستمزد مورد نیاز چقدره، بحث اینکه که تو تمام دنیا اتحادیه‌ها و سازمانهای کارگری که پای مذاکره با دولت میروند، بالاخره یک عدد و رقم مشخصی را میگیرن، میگیرن ما اینقدر دستمزد میخواهیم و یا اینقدر درصد باید بره بالا یا مثلا ۲۰۰۰ یورو یا ۳۰۰۰ یورو یا دلار باید دستمزد ما بشه. بعد میرن میرسن یا نمی‌رسن و بهر حال اگر نرسن اعتصاب میکنند به خاطر خواسته هاشون. تو ایران چون متاسفانه نگذاشتن کارگران تشکل آزاد و مستقل خودشون را داشته باشند و همینطور که خودتان گفتید الان فقط تشکلهایی هستند که اساسا جانب کارفرما و دولتشان را میگیرند، این خیلی مهمه که الان که چشمها به طرف کارگران شرکت واحد دوخته شده و خواست ۵۰۰ هزار

تومان هم به هر حال میان شما مطرحه، خیلی صریح همین رقم و یا هر رقمی که فکر میکنید تصمیم بگیرید و اعلام کنید چون اونوقت همه جامعه از شما حمایت میکنند و میخ سنديکا بیشتر اینجا کوييد ميشه و مردم سنديکا را با شورا های اسلامی مقایسه میکنند که میگه ۱۵۰ هزار و یا فرقش ۲۵۰ هزار تومان و میگیرن خوب سنديکا بیشتر ما را نمایندگی میکنه. من سوالم اینکه که آیا تصمیم ندارین و یا در برنامه تون نیست که مسئله دستمزد را مشخصا اعلام بکنید و در اطلاعیه تون ذکر کنید؟

حسن: ببینید ما مشخصا اعلام کرده ایم و اگر دقت کرده باشید گفته ایم که افزایش حقوق نسبت به تورم طبق اعلام بانک مرکزی. الان بانک مرکزی ایران چیزی کمتر از این مبلغ ۵۰۰ هزار تومان اعلام نکرده، حدودا فکر کنم ۴۰۰ یا ۴۵۰ هزار تومان اعلام کرده و این ماده قانونی داره و ما خواستار قانون هستیم و متاسفانه آقایون تن به قانون نمیدن و مشکل ما اینجاست. ماده قانونی میگه که

حقوق باید با اندازه ای بشه که یک نفر بتونه حداقل يك خانواده حداقل پنج نفره را بچرخونه. شما حساب کنید، خود دولت بیاد حساب کند که یک خانواده پنج نفری در تهران و در ایران چقدر خرج داره، ما چیزی بالاتر از این نخوایم جز اینکه ماده قانونی رعایت بشه.

اصغر کرمی: در مورد خود سنديکا هم سوال داشتم. دور قبل تعدادی از دوستان کارگر در اعتصاب شرکت کردند که به هر حال يك روز بود یا دو شب و يك روز بود، به همه کارگران سرایت نکرد و تعدادی از کارگران در اعتصاب بنا به هر دلیلی، یا قراردادی بودند و ترسیدند و یا مطلع نشده بودند، شرکت نکردند. فکر میکنید ایندفعه اگر با آمادگی دست به اعتصاب بزنید، آیا وضعیت بهتری باشه و تعداد بیشتری در اعتصاب شرکت کنند و اتحاد بیشتری باشه و یا اینکه روشن نیست و اسه تون؟ دوست داشتم اگر مسکن است اطلاعات بیشتری در این زمینه به بیننده ها بدهید.

حسن: ببینید من خودم راننده هستم و هر روز کار میکنم و میرم و میام و با کارگران در ارتباطم. الان وضعیتی

شده که بدلیل هیئت مدیره جدیدی که آقای قالیباف معرفی کردن که در داخلش آقای (نامفهوم) هم هستند و کارگران شرکت روی ایشان دید بدی دارن و الان اکثر کارگران شرکت بنوعی هم به دستگیری غیر قانونی آقای اسانلو اعتراض دارن و هم به حضور آقای (نامفهوم) در هیئت مدیره شرکت واحد و هم به بسته شدن مکان سنديکا. الان جواری شده که واقعا همه در حال انفجار هستن و فقط منتظر فرمانی از طرف هیئت مدیره سنديکا هستند که که اونهم بامید خدا به زودی اجرا میشه و کارگران جاهای دیگه و شرکتهای دیگه هم اعلام همبستگی کرده اند و حتی عده ای از دانشجویان هم اعلام کردن که در روز اعتصاب ما هم در کنار رانندگان شرکت واحد خواهیم بود. من پیش بینی میکنم که اعتصاب خیلی گسترده و زیبایی باشد چون از این لحاظ که اتحاد بین ملت ایران و کارگران و روشنفکران ایران را یکبار دیگر زنده میکند.

شهلا دانشفر: ما خیلی خوشحال شدیم. بحث زیاد است. امیدوارم در برنامه های آینده شما را با زهم روی خط داشته باشیم. خیلی محبت

کردید که آمید روی خط. امیدواریم که دوستان دیگرمان از کارگران شرکت واحد، از بخشهای مختلف شرکت واحد هم بیایند و مسانلشان را اینجا مطرح کنند. برای شما آرزوی پیروزی داریم.

حسن: منم از شما تشکر میکنم و از تمام مردم آزاد اندیش دنیا که به حرفهای ما گوش میکنند و ما را حمایت میکنند تشکر میکنم و امیدوارم که کارگران ایران بالاخره به حق و حقوق انسانی خودشون دست پیدا کنند. چون واقعا این قانون را نمیشه روش تاکید کرد. قانون روزی به اصطلاح به اون حدی میرسه که بتونه زندگی ما را تامین کنه و متاسفانه این قوانینی که الان هست نمیتونه زندگی ما را در حد مطلوب تامین کنه و ما خواهان این هستیم که قوانین اصلاح بشن و کارگران بتونن مثل انسان زندگی کنن چون واقعا زندگی انسانی در ایران خیلی سخت شده و فقط يك قشر خیلی کمی دارن آنجوری زندگی میکنند. بقیه اداي زندگي کردن را در میارن. از همه تون متشکرم. لطف کردین که به درد دل ما گوش کردین و این فرصت را در اختیار ما گذاشتین. *



هما ارجمند بعنوان انسان دوست سال انتخاب شد!

تا این احکام فوراً لغو شود.

ما نباید بگذاریم دستگیری و شکنجه و یا تهدید دایمی به اجرای احکام اعدام فعالین سیاسی، به فراموشی سپرده شود. به اعمال فشار حکومت و رفتار وحشیانه و غیر انسانی حکومت اسلامی، با این افراد و خانواده های آنها، متحدانه اعتراض کنیم.

سعید ماسوری، حجت زمانی، خالد هردانی و فرهنگ و شهرام پور منصوری، ولی الله مهدوی، علیرضا کرمی خیر آنادی و غلامحسین کلیبی باید فوراً آزاد شوند. احکام اعدام این افراد باید فوراً لغو شود.

مینا احدی
از کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۷ ژانویه ۲۰۰۶

از صفحه ۱ به احکام اعدام ...

مخالفت با حکومت اسلامی است. اعتصاب غذای تعدادی از این افراد، با ضرب و شتم و شکنجه بیشتر اینها، پاسخ گرفت. خانواده های این افراد، در هراس دایمی از اجرای حکم به سر برده و دهها نفر عملاً تحت فشار روحی و روانی قرار دارند. حکومت اسلامی در مقابل اعتراضات بین المللی علیه احکام اعدام این افراد تا کنون کوتاه نیامده و هر لحظه ممکن است این احکام اعدام اجرا شود.

میکنم که بهر طریق ممکن به این احکام اعدام اعتراض کنند. با ارسال نامه، با امضا پتیشن اعتراضی، با برگزاری میتینگ و تظاهرات و با تماس گرفتن با نهادهای بین المللی علیه اعدام، کمک کنید جان این افراد را نجات دهیم.

از رسانه های متعدد اپوزیسیون حکومت اسلامی، در سطح بین المللی دعوت میکنم به این اخبار پوشش داده و با انجام مصاحبه با افراد خانواده این افراد و با پخش مستمر اخبار فعالیتها بر علیه این احکام اعدام، توجه مردم را به این جنایات جلب کرده و بر علیه حکومت اسلامی اعمال فشار کنند

از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام و بعنوان يك فعال سیاسی که بر علیه اعدام در ایران و در سطح بین المللی فعالیت میکنم، از همه نیروها و احزاب اپوزیسیون دعوت

هما ارجمند، به دنبال فعالیتهای گسترده و رهبری کمپین علیه دادگاههای اسلامی در کانادا، به عنوان انسان دوست سال شناخته شد و به تاریخ ۱۳ ژانویه توسط انجمن انسان دوستی کانادا در دانشگاه تورنتو طی مراسمی به هما ارجمند بعنوان انسان دوست سال لوح تقدیر داده شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

Tel: 0044-779-1130-707
Fax: 0044-870-135-1338

دفتر مرکزی حزب

صحبتهای عبدالرضا ترازوی از فعالین سندیکای شرکت واحد در برنامه تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر"

عبدالرضا ترازوی: عرض سلام و ادب و ارادت دارم به حضور شما و همکارانتون. خانم دانشور از اینکه این فرصت رو در اختیار من گذاشتین تا حداقل از طریق سیستم وشبکه شما پیام خودم و سایر عزیزان همکارم که از محرومترین، مستضعف ترین و پرتلاش ترین افراد قشر جامعه هستند رو به اطلاع عموم مردم ایران و سایر هموطنانم در نقاط مختلف جهان برسونم تشکر میکنم. من در خدمت شما هستم تا در وهله اول به سوالات شما جواب بدم و اگر چنانچه وقت بود از طرف خودم آنچه که درد دل خودم و سایر همکاران زحمتکش هستم را به اطلاع همه بینندگان و شنوندگان برسانم.

شهلا دانشفرو: حتما. این برنامه در اختیار شماست، برای همبستگی با کارگران شرکت واحد تدارک دیده شده. شما هر صحبتی دارید می‌تونید اینجا بکنید. ولی ما دوست داشتیم نظر شما رو درباره اوضاعی که الان هست بدونیم. وضعیت نظریه، از اول دیماه تا الان ۲۰ روز گذشته و هیچکدام از وعده و وعیدهایی که داده شده اجرا نشده. الان چه برنامه‌ای در دستور دارید و فکر می‌کنید که وضع چی میشه؟

عبدالرضا ترازوی: دو سال و نیم الی سه سال میشه که ما فعالیتهای صنفی سندیکایی خودمون رو در شرکت واحد اتوبوسرانی که بزرگترین تجمع کارگری رو در کشور ما می‌تونه داشته باشه با بیش از ۱۷۰۰۰ پرسنل شروع کردیم. در اوایل کار ما با برخوردهای پلیسی در محیط کار روبرو بودیم، با بگیر و ببندها و مخالفها و برخوردهای فیزیکی در راستای مخالفتشون با حرکتیهای صنفی سندیکایی ما روبرو بودیم. ولی افراد اندکی که هیأت موسسان کارگران شرکت واحد رو تأسیس کردیم، با توجه به اذیت و آزارها، تعویض مناطق، تبعید به مناطق دوردست و قطع اضافه‌کاری، عزیزان ما تسلیم نشدن و فعالیت و مبارزه خودشون رو ادامه دادن تا ظرف مدت دو و نیم سال کارگر متوجه فعالیتهای ما، متوجه شعارهای ما،

خواسته‌های ما شد و طی آگاهی و آموزشهایی که به کارگران داده شد به جمع ما پیوستند، طوری که در هفته‌های گذشته ۱۲۰۰۰ پرسنل شرکت واحد به دعوت شهردار تهران آقای دکتر قالیباف، در استادیوم ۱۲۰۰۰ نفری تجمع داشتند تا صرفا به حرفهای شهردار گوش بدن ولی خلاف تصور و دور از انتظار همه مسوولین امنیتی و شهردار بود که اون همایش به یک حرکت سندیکایی و به یک میتینگ سندیکایی تبدیل شد و ۱۲۰۰۰ پرسنل شرکت واحد در اون مجمع، در حضور شهردار و نیروهای امنیتی که با لباس شخصی حضور داشتند و چهره هاشون برای ما شناخته شده بود، یکصدا فریاد می‌زدند ما خواهان تشکیل سندیکا هستیم و در راستای آزادی آقای اسانلو نیز بی پروا در حضور ماموران امنیتی شعار دادند و می‌خوام بگم دیماه سخت‌ترین دوران مبارزه ما بود، طوری که هشت نفر از فعالان سندیکایی از جمله خود بنده دستگیر شدیم، صبح هنگام، هنگام خروج از منزل که به قصد رفتن به محل کارمون بودیم، لباس شخصیهای وزارت اطلاعات، خودشون رو بما رسوندند و با دستبند و چشمان بسته ما رو به محلی بردند و تا ۱۲ شب بازجویی خسته کننده و طاقت فرسایی رو از ما داشتند. به خودشون استراحت می‌دادند ولی این فرصت رو بما نمی‌دادند که ما با دیگر همکارانمون صحبتی داشته باشیم یا تماسی با منزل بگیریم. ساعت ۱۲ شب ما رو با چشمان بسته به یکی از معروفترین و امنیتی‌ترین زندانهای ایران، زندان ما رو اونجا ۴ روز حبس کردند، خود بنده رو بشدت کتک زدند طوری که نزدیک بود یک مرحله از نفس بایستم. خود مامورین وحشت کردند و به من تنفس مصنوعی می‌دادند و در حضور دیگر دوستان ما چنان در گوش من نواختند که عینک من از صورتم چند متر اون طرفتر پرت شد. بعد از ۴ الی ۵ روز که در سلول انفرادی بودیم آقایون مارو بیرون آوردن، گوشی موبایل منو روشن کردن و از من خواستن به تلفنهایی

که میشه جواب بدم. از اون طرف خط صدای شعار بچه‌ها رو می‌شنیدم که می‌گفتند: ترازوی آزاد باید گردد و فشار دوستان، همکاران و رفقای ما بود که باعث شد این آقایون ما رو از اون خارج بکنند و قبل از خروج از زندان به من توصیه کردند که باید برم و اعتصاب رو بشکونم و از راننده‌ها بخوام که اتوبوسهاشون رو به خطوط ببرن و مسافرین رو جایجا بکنن. اما من به محض اینکه به منطقه ۳ اتوبوسرانی رسیدم، همکاران خودم رو دیدم که اتوبوسها رو متوقف کردن و تجمع زیادی رو در مقابل درب منطقه ۳ اتوبوسرانی واقع در سه راه افسریه داشتند با اینکه انواع و اقسام نیروهای امنیتی با درجه های مختلف لباس شخصی و ماشینهای ملل بالا که تا اون روز شاید ما ندیده بودیم اینها کجا بودن و برای سرکوب اومده بودند، ولی با ازدحام و مقاومت بچه‌ها که مواجه شدند به خودشون اجازه برخورد فیزیکی رو ندادند. در حضور نیروهای امنیتی کارگران بشکلی از من استقبال کردند که خود اونها تعجب کرده بودند. من هم در حضور نیروهای امنیتی آنچه که در دوران بازداشت بر من و دوستانم گذشت برای رفقا شرح دادم، طوری که همه اونها متاثر و بعضا به گریه افتاده بودند. من و دوستانم از مسوولین این است که: آقای دکتر احمدی نژاد رییس جمهور محترم کشور جمهوری اسلامی، در اولین سفر خودش به ژنو وقتی خبرنگار بی‌بی‌سی از شما سوال می‌کنه شما که داعیه رعایت حقوق بشر رو سر می‌دین آیین رعایت حقوق بشر رو در کشور خودتون می‌کنید؟ ایشون می‌فرمایند که: کشور من آزادترین و دموکراتیک ترین کشور روی زمین هستش. ما که خواستمون صنفی سندیکایی هستش و از سیاست سر در نیاریم و دخالت تو امور سیاسی نمی‌کنیم چون مصونیت سیاسی نداریم، با ما چنین برخورد می‌کنند، وای به حال اینکه بخواهیم قدم در کار سیاسی بگذاریم.

فرمودین که این اواخر چه حرکتی شده و چه تصمیماتی دارید. الان از اونجایی که آقای

منصور اسانلو رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، بی دلیل و بی گناه در زندان اوین هست اولین خواسته ما آزادی بی قید و شرط و هر چه سریعتر منصور اسانلو هست که ایشون باید سریعا برگردد، با توجه به اینکه جلیدا عمل قلب باز انجام دادن و از ناراحتی شدید چشم هم رنج می‌برن. دو روز قبل از بازداشت ایشون باید عمل جراحی می‌کردن که بخاطر همین فعالیتهای صنفی به تعویق انداختند. از قاضی درخواست شده تا در بیمارستان بستری بشه برای ادامه درمان، اما قاضی مخالفت کرده، این را هم شجاعانه عرض می‌کنم و پای تمام عواقبش هم می‌ایستم. شاید هم خانم آقای اسانلو راضی نباشه که من این مطلب رو بگم. طی دو روز گذشته خانم آقای اسانلو با آقای مرتضوی دیدار کردند و از ایشون خواستند تا اجازه بدن آقای اسانلو به بیمارستان منتقل بشه، اما چنان برخوردی رو آقای مرتضوی با همسر آقای اسانلو داشتند که همسر آقای اسانلو سفارش کردند این صحبتها جایی مطرح نشه، بدی بوده که الان تصمیم بر این است که همراه خانم اسانلو شکواییه ای تنظیم بشه و تحویل آقای شاهرودی بدیم، اگر رسیدگی بشه! من از شما می‌خوام که از طریق مجامع بین‌المللی ILO و CFCO و اتحادیه‌های آزاد کارگری جهان، دولت جمهوری اسلامی را در خصوص آزادی اسانلو و در خصوص اجازه فعالیت صنفی سندیکایی به کارگران شرکت واحد و سایر کارگران تحت فشار بگذارند، که ما این آزادی را اینجا داشته باشیم. در کشور ما سانسور خبری بسیار شدیدیه. اطلاع میدن که اتوبوسرانی نیویورک اعتصاب کرده. ۱۰ روز اون حرکت اونها رو در کشور ما تبلیغ می‌کنند، اما بقول خود ما مسلمانها کور و کر و لال شدن و اعتصاب چشمگیر و فراگیر و کمر شکن رانندگان اتوبوسرانی تهران رو در ۴ دی ۸۴ نمی‌بینند و این خبر از طریق رسانه‌های ملی و رسمی به هیچ وجه پخش نشد. تازه شانس آوردن مسوولین و مردم، روزی که اعتصاب بود بارندگی بود و مردمی که وسیله ندارند در روزهای بارونی کمتر به خیابون می‌آیند. ما دیروز اطلاعیه

این برنامه روز سه شنبه ۲۷ دیماه اجرا شد و اصغر کریمی میهمان برنامه بود. دو نفر از فعالین سندیکای شرکت واحد در این برنامه صحبت کردند. با تشکر از سیاوش امیدوی عزیز از فعالین سازمان جوانان کمونیست که این متن را پیاده کرده است، در اینجا صحبت آقای عبدالرضا ترازوی را میخوانید.

ای رو تنظیم کردیم و چاپ کردیم و امروز تکثیر می‌شود و ظرف مدت فردا پخش می‌شود. در آن اطلاعیه آزادی بی‌قید و شرط آقای اسانلو را خواستیم و این اولتیماتوم هم رو به مسوولین دادیم و هشدار را هم در انتهای اعلامیه دادیم که چنانچه منصور اسانلو سریعتر آزاد نشود و به آغوش خانواده اش و جامعه کارگری شرکت واحد برنگردد، عواقب هر گونه اتفاقی در سطح تهران به عهده خود مسوولین خواهد بود. من در مصاحبه‌ای که در روزنامه جهان اقتصاد داشتیم این هشدار رو به مسوولین دادم که اعتصاب بعدی و حرکت بعدی کارکنان شرکت واحد که الان به یک درجه از رشد و آگاهی و فهم و شعور صنفی سندیکایی رسیدن، دیگه قابل کنترل از طرف شورای شهر و شهرداری نخواهد بود. به منظور همین مصاحبه‌ای که داشتم بارها و بارها از وزارت اطلاعات با من تماس گرفتند و بنده رو تهدید کردند و گفتند اگر برای این روزنامه تکنیسیه نفرستم و شماره اون تکنیسیه را که به دبیرخانه روابط عمومی میدم برای آنها نفرستم (یک کپی از تکنیسیه رو می‌خواستن برایشان بفرستم)، اگر من این کار را نکنم اینها من را تهدید کردند.

من عبدالرضا ترازوی، عضو هیأت مدیره کارگران شرکت واحد اعلام می‌کنم: عزیزان من اطلاع داشته باشید احيانا ممکن است در روزهای آینده بنده دستگیر و یا دچار هرنوع حادثه شوم که ازین طریق به اطلاع تمامی دوستان چه در خارج چه در داخل میرسانم که عواقبش فقط و فقط به عهده مسوولین امنیتی خواهد بود.

اصغر کریمی: اخطاریه‌ای رو که دادید هنوز موعلی را روشن نکردید؟ جامعه لایه منتظره، خود کارگران واحد و دوستان مختلفی که تماس می‌گیرند در یک حالت انتظار بسر

پیرامون تلاشهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی

قطعهنامه دفتر سیاسی

تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به سلاحهای کشتار اتمی باعث تشدید کشمکش و مخاطرات اتمی در سطح جهان شده است. دستیابی رژیم اسلامی به سلاح اتمی یک نگرانی جدی مردم متمدن در سطح جهان است. رئیس سیاست حزب کمونیست کارگری در تقابل با این وضعیت بر مبنای زیر استوار است.

۱- حزب کمونیست کارگری خواهان پایان دادن فوری به مسابقه خونبار تسلیحاتی اتمی و نابودی تمامی سلاحهای کشتار دسته جمعی موجود در جهان است. حزب کمونیست کارگری خود را بخشی از

جنبش بشریت متمدن برای نابودی سلاحهای کشتار دسته جمعی میداند.

۲- حزب کمونیست کارگری تلاشهای رژیم اسلامی بمنظور دستیابی به سلاحهای اتمی را شدیداً محکوم میکند. در کارنامه قطب اسلام سیاسی لیست طویلی از جنایات تکان دهنده از سنگسار و قصاص و سربریدن و تروریسم روزمره گرفته تا جهاد اسلامی و کشتار کودکان و قتل عام انسانهای بیگناه قرار دارد. این اردوگاه اکنون به یک قطب فعال تروریسم بین المللی و یک پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه تبدیل شده است. تجهیز رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی، تروریسم اسلامی و جنبش اسلام

سیاسی را به نیرویی اتمی تبدیل خواهد کرد که میتواند خاورمیانه را به ورطه نابودی بکشانند.

۳- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که اطمینان خاطر قطعی و جلوگیری از دستیابی رژیم اسلامی به سلاحهای اتمی تنها با سرنگونی رژیم اسلامی توسط توده های مردم ممکن است.

۴- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که سیاست آمریکا و متحدینش مبنی بر خلع سلاح اتمی جمهوری اسلامی کوچکترین ربطی به صلح و مصون داشتن مردم از مخاطرات اتمی نداشته بر عکس تلاشی برای حفظ کنترل انحصاری بر سلاحهای کشتار دسته جمعی و اتمی در سطح جهان است. آمریکا و

متحدینش تماماً نیروهای اتمی هستند. آمریکا تنها نیرویی است که سلاح اتمی علیه انسانها بکار برده و صدها هزار مردم بیگناه ناکازاکی و هیروشیما را در ظرف چند ثانیه تبدیل به خاکستر کرده است. پرونده این قطب جهانی تروریسم دولتی و قدر قدرتی امپریالیستی، عیان و غیر قابل انکار جلوی چشم جهانیان است.

۵- حزب کمونیست کارگری در عین حال که بطور همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه میکند، هرگونه حمله ماجراجویانه نظامی آمریکا و اسرائیل و متحدینشان را به تاسیسات هسته ای و یا تحریم اقتصادی ایران را که مصائب ناگوار بسیاری برای مردم

قطعهنامه هایی که ملاحظه میشود در ماههای اکتبر ۲۰۰۴ و فوریه ۲۰۰۵ به تصویب دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری رسیده اند.

از آنجاییکه مجدداً کشمکش دو قطب تروریسم جهانی بر سر پروژه اتمی رژیم اسلامی داغ شده است، انترناسیونال این دو قطعهنامه را مجدداً منتشر میکند.

بدنبال خواهد داشت، قویا محکوم میکند.

۶- حزب کمونیست کارگری اعلام میکند که در فرآیند سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار جمهوری سوسیالیستی در ایران تضمین خواهد کرد که نظام اتمی ایران نه تنها یک نیروی مهیج به سلاحهای اتمی نیست بلکه پرچمدار مبارزه ای همه جانبه برای نابودی سلاحهای اتمی و کشتار دسته جمعی در سطح جهان خواهد بود. *

قطعهنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در رابطه با تهدیدات نظامی آمریکا

۱- تهدیدات نظامی اخیر دولت آمریکا مبنی بر حمله به تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی حلقه ای از سیاست تأمین هژمونی آمریکا بر دنیای پس از جنگ سرد در چارچوب دکترین نظم نوین جهانی و مشخصاً دور دیگری از مقابله تروریسم دولتی غرب با تروریسم اسلامی است.

۲- حملات احتمالی نظامی آمریکا جهان را وارد فاز جدیدی از جنگ تروریستها و ویرانسازی و کشتار مردم خواهد کرد. در یک سوی این جنگ ماشین عظیم تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش و در طرف دیگر تروریسم اسلامی و جنبش کثیف اسلام سیاسی قرار دارد. این جنگ احتمالی و تداوم آن میتواند قربانیان بسیاری از مردم بی دفاع و بی گناه در ایران و در هر گوشه جهان بگیرد.

۳- هدف آمریکا از سیاست نظامی علیه جمهوری اسلامی، برخلاف آنچه رسانه های غربی تبلیغ میکنند صرفاً خنثی کردن فعالیتها و جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای اتمی نیست. روشن است که غرب یک جمهوری اسلامی را تحمل نمیکند اما خلع ید اتمی جمهوری اسلامی محور کشمکش اخیر آمریکا و جمهوری اسلامی را تشکیل نمیدهد. هدف مشخص آمریکا مقابله با دخالت و نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و

فلسطین و عقب راندن و محدود کردن اسلام سیاسی متکی بر جمهوری اسلامی بویژه در سطح خاورمیانه است.

۴- عملی شدن تهدیدات نظامی آمریکا احتمال بالائی ندارد. آمریکا در عراق به مخصصه افتاده است و خواهان تکرار این تجربه در جامعه ای با وسعت و اهمیت سوق الجیشی ایران نیست. علاوه بر این آنچه آمریکا را از دست زدن به حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی محتاط میکند، تفاوت شرایط جامعه ایران با افغانستان و عراق و احتمال خیزش مردم علیه جمهوری اسلامی تحت پرچم چپ است. برآمد مبارزه مردم به رهبری چپ در مقابل هر دو طرف جنگ، به خارج شدن کنترل اوضاع از دست جمهوری اسلامی و کلا غرب منجر میشود.

امکان ورود مردم به صحنه سیاسی با شعارهای چپ و آزادیخواهانه یک عامل مهم تردید هیئت حاکمه آمریکا در جنگ علیه جمهوری اسلامی است. دولت آمریکا در درجه اول تلاش میکند تا از تهدیدات نظامی بعنوان یک اهرم اعمال فشار به جمهوری اسلامی و رسیدن به یک راه حل دیپلماتیک استفاده کند. این شرایط همچنین باعث میشود تا دولت آمریکا، حتی اگر تهدیدات نظامی خود را عملی کند، نه سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه به

عقب راندن و محدود کردن جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی در چارچوب سیاست خارجی آمریکا در منطقه را هدف قرار دهد.

۵- از لحاظ سیاسی و تا آنجا که به مبارزه انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی مربوط میشود، حمله آمریکا به جمهوری اسلامی و حتی طرح و تبلیغ این تهدید، یک تحول منفی و بازدارنده و مانعی بر سر راه جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی است. منسجم شدن جمهوری اسلامی در کوتاه مدت، مرعوب شدن مردم، و کلا تقویت آلترناتیو و راه حل های راست در جامعه از اولین نتایج حمله نظامی آمریکا خواهد بود. حتی این احتمال وجود دارد که در صورت نوسید و مستاصل شدن مردم و به عقب رانده شدن آنان از عرصه مبارزه، شیرازه جامعه از هم گسیخته شود و در ایران نیز شرایطی شبیه عراق بوجود بیاید. اما علیرغم این شرایط، برای جنبش چپ این امکان واقعی وجود دارد که در برابر این روند بایستد و آنرا به ضد خود تبدیل کند. وجود یک جنبش عظیم سرنگونی طلبانه و انقلابی، در حاکمیت بودن اسلام سیاسی و رسوائی و مسنور بودن آن در نزد اکثریت قریب باتفاق مردم و حضور اجتماعی و وسیع حزب کمونیست کارگری از جمله عواملی است که میتواند سیر تحولات را تماماً به نفع

مردم و مبارزه آزادیخواهانه آنان علیه جمهوری اسلامی تغییر بدهد. مقابله فعال با هر دو قطب این جنگ تروریستی و سازماندهی یک مبارزه وسیع و تعرضی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در دل این شرایط تماماً به عملکرد چپ در جامعه و مشخصاً حزب کمونیست کارگری گره خورده است.

۶- با بالا گرفتن تهدیدات نظامی و تنش بین آمریکا و جمهوری اسلامی و بویژه در صورت وقوع بیوستن این تهدیدات، صف بندی تازه ای در صفوف اپوزیسیون ضد انقلابی جمهوری اسلامی بوجود خواهد آمد. در جنبش ملی - مذهبی حمایت از رژیم اسلامی تحت لوای مقابله با حمله خارجی و در جنبش راست پرو غرب دفاع از این حمله به امید خزیدن بقدرت زمینه بیشتری پیدا کرده و تقویت خواهد شد. در این میان سازمان مجاهدین نیز امیدوارست تحت پوشش حمله نظامی آمریکا بتواند در مناطق مرزی دست به مانورهای نظامی بزند. این مواضع ظاهراً متضاد در واقع اشکال مشخص پیشبرد استراتژی و هدف مشترک مقابله با انقلاب و مبارزات انقلابی مردم از جانب همه نیروهای راست و کمپ ضد انقلاب در شریط جدید است.

با توجه به این شرایط ما اعلام میکنیم:

۱- حزب کمونیست کارگری ایران حمله نظامی آمریکا و هر دو سوی این کشمکش نظامی، یعنی تروریسم جمهوری اسلامی و تروریسم دولتی غرب را قاطعانه محکوم میکند و توده های مردم در ایران و در سطح جهان را به مقابله با هر دو قطب تروریسم فرامیخواند. راه آزادی و رهایی مردم ایران از مقابله این دو قطب که توخس سرمایه داری دنیای امروز را نمایندگی میکنند نمیکند. سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به رفاه و آزادی و برابری تنها با مبارزه انقلابی مردم تحت پرچم جهان متمدن، پرچم انسانیت و سوسیالیسم، ممکن است.

۲- حزب با تمام قوا در برابر هر گونه میلیتاریزه کردن فضای سیاسی ایران و ارباب مردم و سرکوب مبارزات آنان به بهانه حمله نظامی آمریکا خواهد ایستاد و اجازه نخواهد داد تا جنگ تروریستها مبارزات کارگران و زنان و جوانان را قیچی کند.

۳- حزب کمونیست کارگری از شرایطی که در اثر کشمکش بین آمریکا و دول غربی با جمهوری اسلامی بوجود خواهد آمد در جهت سازماندهی و بسیج هر چه وسیعتر جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی

از صفحه ۹ **صحبت‌های عبدالرضا ترازوی**

می‌برند و بنظر می‌آید که آمادگی بسیار بالایی برای اعتصاب هست. سوال من این است که در برنامه تون تصمیم ندارین روز اعتصاب رو اعلام کنید؟ چون همه وقت خریدن‌ها و وعده هائی که آقای قالیباف داد بالاخره به پایان رسیده. یک روز گفته بودند بعد از دو سه روز به خواسته هاتون رسیدگی می‌کنند، بعد گفتن ۱۵ روز، الان چند روز از ۱۵ روز هم گذشته و هیچ خبری نیست، حتی ملاقات خانم اسانلو را ممنوع کردند و جلویش را گرفتند. خواستم بگم همه اینها تموم شده. روز معینی رو در نظر نذارید که رسماً به جامعه اعلام کنید که جامعه و تمام کارگران هم مطلع باشن و از برنامه تون بدونن و ازتون حمایت کنند؟

عبدالرضا ترازوی: این طرح سوال شما حاکی از این است که با وجودی که فاصله شما با ما بسیار زیاد است منتها انگار در کنار ما هستید و از نحوه فعالیت و روند کار ما اطلاع دارید. من تشکر می‌کنم از اینکه فعالیت ما رو پیگیری و اطلاع رسانی می‌کنید. ما در داخل شرکت واحد از طرف خود کارگران هم حقیقتاً تحت فشار هستیم. من به دفتر کارم که میروم تحت فشار هستم از طرف کارگران، به طرف من می‌آیند و سوال می‌کنند که اسانلو کی آزاد می‌شود. چکار می‌خواهید بکنید، سریع تصمیم بگیرید، هر تصمیمی بگیرید ما هستیم، پشتیبانی و مشارکت می‌کنیم. ما در اعلامیه مون فرصت ۴ روزه‌ای را مشخص کردیم، ۴ روز مهلت دادیم به آقایون و با توجه به فشاری که از طرف کارگران هست، اگر خود ما هم نخواهیم کارگران حرکتی بکنند، بصورت خودجوش حتما حرکتی را خواهند کرد. کما اینکه ما تا بحال

است که الان شما عزیزان هم با هر نوع حرکتی که در توانتان است به یاری ایشان بشتابید و با حضور خودتان، با رفتار خودتان، با قلم خودتان، هر نوع اعتراضی را که می‌توانید علیه بازداشت ایشان به عمل بیارید. دانشجو، کارگر، مردم و همه و همه دست بدست هم بدهیم تا آقای اسانلو آزاد شود و به آغوش جامعه کارگری برگردد. آقای اسانلو الان فقط تعلق به خانواده اش ندارد. آقای اسانلو حرکت عظیمی را در جامعه کارگری ایران بوجود آورد، طوریکه صنفهای مختلف هم داشتند از ایشان درس می‌گرفتند و هیأت مؤسسان صنوف خودشان را تشکیل می‌دادند. منتها اینها آقای اسانلو را بازداشت کردند، با این هدف که جو رعب و وحشت را در جامعه کارگری بوجود بیآورند و جالب اینجاست که در خطوط شرکت واحد پس از اینکه مسافران متوجه اعتصاب می‌شدند و می‌فهمیدند علت نیامدن اتوبوس و تجمع مسافران در ایستگاه چیست، همه از کارگران و رانندگان تشکر میکردند ولی برعکس مسؤولین میگفتند شما آگه خواسته دارید راههای قانونی را بروید تا به خواسته هایتان برسید، زن و بچه مردم چه گناهی دارند؟ من گفتم: زن و بچه ما چه گناهی دارند؟ این مردمی که شما از ایشان دم می‌زنید اگر بفهمند ما به چه منظوری اعتصاب کردیم، همه از ما حمایت می‌کنند. من به اطلاع شما می‌رسانم که در کشور الان تمامی مردم از جامعه کارگری شرکت واحد حمایت می‌کنند چرا که این کارگران و رانندگان کسانی هستند که قبل از خروسخوان سحر از منزل می‌شوند و هنگامی که زن و بچه هایشان و همه مردم در خوابند به منزل بر می‌گردند. خبر نداشتن زن و بچه شان به کجا رفت و آمد می‌کند، بچه شان کلاس چندم است. هر چه فاجعه در

ایران بوقوع می‌پیوندد یا بر سر خانواده و طیف کارگر هست یا این حوادث از دل جامعه کارگری بروز می‌کند. چرا؟ مرد خانواده موظف است فقط و فقط بخاطر سیر شدن شکم فرزندان، سه شیفیت، دو شیفیت، صبح تا شب کار کند و لذا خبر ندارد. بیهو متوجه می‌شود دخترش فراری است، پسرش معتاد است، همسرش فساد اخلاقی دارد. این همه جنایت که در ایران رخ می‌دهد همه اش ریشه در فقر دارد. آنوقت آقایون خودشان می‌آیند سی دی فیلم فقر و فحشا را می‌سازند. فقر، فحشا، فساد ریشه در مسائل اجتماعی دارد که کارگران که بیشترین جامعه کشور ما را تشکیل می‌دهند، از یک وضع معیشتی بسیار اسفناکی برخوردار هستند.

من یک مطلبی هم عرض کنم خدمتتون که خیلی دردناک است و لازم است بدونید از این موارد ما زیاد داریم و دیگر عرضم راتمام میکنم.

من شب هنگام بود که برای جمعی به منطقه ۳ اتوبوسرانی می‌رفتم. در طول مسیر اتوبوسی را که سوار شده بودم راننده اش به من گفت: همین امروز صبح خانم به من زنگ زده گفته بچه مریمض است و باید به درمانگاه ببریم، ولی من دیدم پول همراه ندارم که بخواهم بچه را به بیمارستان ببرم، رفتم مددکاری شرکت واحد گفتم ۵۰۰۰۰ تومان به من پول بیدید تا بچه ام را به مطب ببرم. مددکاری گفته ما ۱۵۰۰۰ تومان داریم گذاشتیم برای شب آگه اتفاقی افتاد ما دستمون خالی نباشد. گفتم چه کردی؟ گفت: اینقدر طولش دادم تا خانم از زندهای همسایه پول گرفت و خودش بچه رو به درمانگاه برد. من روم نشد به عنوان مرد خانواده دست خالی برم و نتونم بچه ام را ببرم به بیمارستان. و یا کارگر شرکت وحد اگر صبح خواب

بماند و به سرویس نرسد، خدا شاهد است ۲۰۰ تا تک تومن پول در جیبش نیست تا با ماشین شخصی خودش را به محل کار برساند. کارگران شرکت واحد همشون دارند در حومه شهرها زندگی می‌کنند. اسلام شهر، مامازن، قیامدشت، پاکدشت، ورامین، رودهن، بومهن و ... بدبخت ترین و محروم ترین افراد هستند و اگر کشور ما یک کشور فقیر و ندار بود، می‌گفتم نداره! باهاش بسازیم! با دولت همراهی و همکاری کنیم. ولی کشور ما که فقط چرخه اقتصادش از راه فروش نفت بدست می‌آید و دیگر سرمایه‌هایی که داره زمین، زیرزمینی، خشکبار، حیوانات، گاز ... اینها همه بماند. پس فروش نفت کجا می‌رود؟ بودجه مملکت ما رو بر مبنای ۲۶ دلار بستند. الان بالای ۵۰ دلار نفت داره فروش میره. مازاد درآمد نفتی کجا می‌رود که کارگر ما باید گرسنه باشد؟ ای خاک بر سر این مدیران و کارفرماهایی بکنن که کارگراشون جیبشون خالیه، کارگراشون گرسنه هستند. همیشه جامعه کارگری ما شرم‌زنده و بیجه اش است. کارگران ما، جامعه کارگری شرکت واحد خصوصاً، من به افراد شرکت واحد گفتم شما دروغگو ترین افراد جامعه هستید! چرا؟ چون سر برج که میرسه همسر شما طلب میکنه کفش و لباس و مایحتاج زندگی، میگین ماه بعد. ماه بعد که میرسه وضعت بدتر. هی میگین ماه بعد. هی وعده. تا کی می‌خواهید شما وعده سر خرمن به زن و بچه‌هاتون بدید؟ تا کی باید زن و بچه‌های جامعه کارگری چشمشون بدنال زندگی نسبتاً مرفه دیگران باشه؟

من تشکر و قدردانی میکنم از اینکه این فرصت رو در اختیار من گذاشتید. باز هم در خدمت شما هستم. ممنون و متشکر. *

از صفحه ۱۰ **قطعنامه دفتر سیاسی ..**

رژیم اسلامی استفاده خواهد کرد. تنها راه جلوگیری از حمله نظامی آمریکا، و در صورت وقوع این حمله، خنثی کردن اثرات مخرب آن و عملیات تروریستی انتقامجویانه متعاقب آن، بمیدان آوردن کارگران و جوانان و زنان و دیگر اقشار معترض برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق رفاه و آزادی و برابری با پرچم یک دنیای بهتر و جمهوری سوسیالیستی است.

مردم و تعمیق و پیشبرد آن در برابر کل اردوگاه ضد انقلاب در قدرت و در اپوزیسیون، کماکان خط راهنمای حزب خواهد بود.

۴- حزب کمونیست کارگری مواضع و عملکرد احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون را که در این کشمکش نظامی جانب جمهوری اسلامی و یا غرب را میگیرند پیگیرانه افشا خواهد کرد و در برابر هر نیروی که در این تقابل نظامی بخواهد بعنوان متحد آمریکا و یا مدافع جمهوری اسلامی عمل کند قاطعانه خواهد ایستاد. نمایندگی کردن انقلاب، دفاع از جنبش انقلابی

www.wpiran.org **سایت حزب:**

www.rowzane.com **سایت روزنه:**

www.antemasional.com **نشریه انترناسیونال:**

رادیو انترناسیونال: هر شب ساعت ۹ تا ۹:۳۰ دقیقه روی طول موج کوتاه ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز

www.newchannel.tv **سایت کانال جدید:**

markazi@ukonline.com.uk **آدرس تماس با حزب:**

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

هر دو قطب تروریسم در یک مقیاس جهانی است.

۹ فوریه ۲۰۰۵

سازمانها و نهادهای انساندوست و آزادخواه در سطح بین المللی عامل موثر و تعیین کننده‌ای در مقابله با

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



میشل باشلت:

هفتمین رئیس جمهور
چپگرا در قاره آمریکا

درست يك ماه پس از انتخاب "بیوو مورالس" به عنوان رئیس جمهوری بولیوی، این هفته در انتخابات شیلی نیز يك زن سوسیالیست به ریاست جمهوری رسید. میشل باشلت A؛ اولین زنی است که در آمریکا به ریاست جمهوری میرسد. او خود را سوسیالیست میدانند و با انتخاب او در روز ۱۶ ژانویه دهها هزار نفر از مردم در سانتیاگو پایتخت شیلی به خیابان ها ریختند و به جشن و پایکوبی پرداختند. با انتخاب او اکنون در کشورهای آرژانتین، برزیل، اروگوئه، ونزوئلا، بولیوی و شیلی دولتهای چپگرا در قدرت قرار دارند. اگر کوبا را هم به این مجموعه اضافه کنیم اکنون مجموعاً در هفت کشور در آمریکا دولتهایی با گرایش سوسیالیستی در راس جامعه قرار دارند.

روی کار آمدن دولتهای چپگرا در آمریکای لاتین بیش از هر چیز نشانه بارزی از وجود يك جنبش چپ گسترده و قدرتمند در این بخش از قاره است که سالهای سال است با جریانان دست راستی که مورد حمایت ایالات متحده است دست و پنجه نرم میکند. در چند سال اخیر این جنبش پیشروی های محسوسی داشته و توانسته است راستگرایان را که اغلب دست در دست سازمان سیای آمریکا دارند عقب براند. پایه اصلی این جنبش را اعتراض کارگران و مردم این قاره به سیاستهای سرمایه های بزرگ که در راس آن کوریپوراسیونهای بزرگ ایالات متحده و دولت این کشور و همچنین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی قرار دارند، تشکیل میدهد که به فقر و محرومیتی گسترده و عمیق و همه جانبه در میان توده های مردم منجر شده است. دخالتهای نظامی و سیاسی دولت آمریکا مورد انزجار عموم مردم این کشورهاست و تاریخ این جوامع صفحات خونینی از این دخالتها را در خود ثبت کرده است. شیلی و دیکتاتوری نظامی آگوستو پینوشه و کودتای خونین علیه دولت

از چارچوبهای سرمایه داری و سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سرمایه بین المللی گامهای جدی ای فراتر بگذارند، تجربه نشان داده است که با دسیسه ها و کودتاها و توطئه های رنگارنگی مواجه خواهند شد که به دلیل همان محدودیتهای و ضعفها، آمادگی و توان و سازمان مقابله با آنها را ندارند.

بهروروی کار آمدن چهره های چپ و سوسیالیست در آمریکای لاتین گرچه به معنای عملی شدن برنامه و سیاستهای سوسیالیستی در این کشورها نیست اما نشانه آشکاری از وجود يك جنبش چپ و سوسیالیستی رشد یابنده در این کشورهاست که با آزمون و خطا راه خود را به پیش میگذراند و هیچ توطئه و دسیسه و کودتایی نتوانسته و نمیتواند آنرا از صحنه دور کند. این جنبشی است که از خواست قلبی میلیونها نفر کارگران و مردم محروم برای دست یابی به رفاه و آزادی و منزلت و زندگی ای انسانی سرچشمه میگردد و همین منشا دوام و رشد آنست.

جمهوری اسلامی در انزوای کامل بین المللی

سفر وزیر خارجه فرانسه "فیلیپ دوست بلازی" به روسیه در روز پنجشنبه ۱۹ ژانویه و رفت و آمدهای پی در پی دیپلماتیک مقامات کشورهای غربی پیش در آمدهای فاز تازه ای در "بحران هسته ای ایران" هستند که شروع شده است. فرانسه که از مستکران سیاست ممانعت با جمهوری اسلامی تحت عنوان "دیالوگ انتقادی" بود اکنون موضعی تند را در برابر جمهوری اسلامی نمایندگی میکند. ژاک شیراک رئیس جمهور این کشور حتی کار برد سلاح اتمی در برابر دولتهای حامی تروریسم را نیز غیر محتمل ندانست و با اشاره به این موضوع در واقع عزم دولتش را برای مقابله با جمهوری اسلامی مورد تاکید قرار داد. وزیر خارجه فرانسه پیش از سفرش به مسکو از ضرورت يك سیاست يك پارچه و بی گذشت در برابر جمهوری اسلامی سخن گفت. او از روسیه نیز خواست که به عنوان کشوری که فناوری هسته ای را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته، قاطعانه در سیاست مقابله با برنامه اتمی جمهوری اسلامی دخیل شود. دولت روسیه نیز اکنون به صف

جمهوری اسلامی دو صورت مساله، دو راه حل!

سخنران: حمید تقوایی

لیدر حزب کمونیست کارگری ایران
تاریخ: شنبه چهارم فوریه ساعت ۳:۰۰ بعد از ظهر
مکان: نورث ونکوور - خیابان یکم غربی - شماره ۱۴۵ - اتاق هاربور ویو

Saturday, February 4th, 2006 - 6:30 pm
John Braithwaite Community Center
Harbourview Room
145 w. 1st street
North Vancouver

تلفن تماس: ۷۲۷ - ۸۹۸۶ - ۶۰۴
برگزار کننده: حزب کمونیست کارگری کمیته غرب کانادا

عقب نشینی ای تحقیر آمیز و یا مواجه شدن با تحریمها و فشارهای مختلف باقی نماند. تا آنجا که به مردم ایران مربوط میشود نتایج این بحران اگر از سطح تحریمهای دیپلماتیک فراتر رود و به رویارویی نظامی یا تحریمهای اقتصادی بینجامد، بسیار زیانبار است و میتواند فضا را بر مردم از هر نظر تنگ تر سازد. جمهوری اسلامی در داخل با اعتراضات گسترده کارگران و مردم روبروست و بازگشت به "خط امام" توسط احمدی نژاد چیزی جز شکست و بن بست برای حکومت در بر نداشته است. در این شرایط حکومت اسلامی میکوشد بحران بین المللی را به ابزاری برای دامن زدن به جوی ناسیونالیستی، و مقابله با این اعتراضات مردم تبدیل کند. تنها راه خنثی کردن و به شکست کشیدن این سیاست تاکید و پافشاری هرچه بیشتر کارگران و مردم بر خواستههای حق طلبانه خویش و گسترش اعتراض و مبارزه علیه جمهوری اسلامی است. تنها در این صورت است که جمهوری اسلامی در این سیاست خویش نیز به بن بست و شکست خواهد رسید. واقعیت اینست که هر دوسوی این بحران یعنی هم دولتهای غربی و هم حکومت اسلامی مصالح و منافع را دنبال میکنند که مستقیماً علیه مردم است. و رهبران جنبشهای اعتراضی مردم در ایران با شناخت این مصالح است که میتوانند انزوای بین المللی جمهوری اسلامی را در جهت پیشروی علیه جمهوری اسلامی و دستیابی به پیشرویهای بیشتر مورد استفاده قرار دهند. *

مخالفان سیاست هسته ای ایران پیوسته است و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را بطور تلویحی مورد موافقت قرار داده است. سرگشی لاروف وزیر خارجه روسیه امروز در برابر تاکید وزیر خارجه فرانسه به برخورد تند و یکپارچه با جمهوری اسلامی در عین تاکید بر برخوردی محتاطانه و سنجیده با جمهوری اسلامی گفت "تعامل با ایران بر سر برنامه هسته ای این کشور باید مبتنی بر این باشد که برای جلوگیری از پیمان بین المللی منع گسترش جنگ افزارهای هسته ای از هیچ کاری دریغ نشود".

این تاکید در واقع اعلام موافقت با تحریمهای دیپلماتیک و احیانا اقتصادی بر جمهوری اسلامی است. روشن است که پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت خواهد رفت و اگر جمهوری اسلامی گامی بازر و آشکار به عقب برندارد، تحریمهای دیپلماتیک و شاید اقتصادی نیز علیه جمهوری اسلامی قطعی بنظر میرسد. بعلاوه در صورت ادامه برنامه های غنی سازی هسته ای توسط جمهوری اسلامی احتمال حملات نظامی موضعی به پایگاههای هسته ای ایران توسط آمریکا یا ناتو و یا اسرائیل نیز اکنون يك احتمال واقعی است.

جمهوری اسلامی اکنون صف متحدی را در سطح بین المللی علیه خود ایجاد کرده است. به ویژه با روی کار آمدن دولت محافظه کار "آنگلا مرکل" در آلمان که هم نظری بیشتری با سیاست بوش و بریتانیا دارد، و با تند تر شدن موضع دولت فرانسه علیه حکومت اسلامی، برای جمهوری اسلامی هیچ راهی جز